



دانشگاه فردیس



مركز تحقیقات وقف
دانشکده الهیات و ادیان



اداره کل اوقاف و امور خیریه
خرسان رضوی



دفتر بحکاری های علمی و امور خارجہ کان
شہد فرمادہ شمال شرق

نخستین همایش ملی

وقت و علم و فنا و ری

الگوهای توسعه و ترویج

چکیده مقالات

نهم اسفند ۱۳۹۶

دانشگاه فردوسی مشهد



چکیده مقالات

نخستین همایش ملّی وقف و علم و فناوری

(الگوهای توسعه و ترویج)

نهم اسفندماه ۱۳۹۶

دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده مقالات نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری
۹ اسفندماه ۱۳۹۶

چکیده مقالات نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری (الگوهای توسعه و ترویج)
به کوشش: دکتر جواد عباسی (هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر زهیر صیامیان گرجی
(هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی)
ویراستار علمی: دکتر زهیر صیامیان گرجی
صفحه آرا: اسفندیار محرابی
تاریخ چاپ: اسفند ۱۳۹۶
شمارگان: ۲۵۰ جلد
دانشگاه فردوسی مشهد

ارکان همایش

رئیس همایش: دکتر محمد کافی، رئیس دانشگاه فردوسی مشهد

دبير همايش: دکتر جواد عباسی، عضو هيات علمی دانشگاه فردوسی مشهد

دبير شورای علمی: دکتر زهیر صیامیان گرجی، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

دبير کميته اجرائي: مهندس جعفر زارع، کميته ياوران وقف و علم و فناوري

نهادهای برگزار کننده: دانشگاه فردوسی مشهد، مرکز تحقیقات وقف دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، سازمان اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی، کمیته یاوران وقف علم و فناوری، دفتر همکاری‌های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده شمال شرق



اعضای شورای علمی و سیاست‌گذاری همایش

- ۱- دکتر مصطفی محقق داماد (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم)
- ۲- دکتر امیر ملکزاده (عضو هیئت علمی و مدیر توسعه و انتقال فناوری دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۳- دکتر تقی ابراهیمی سalarی (عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد)
- ۴- دکتر جواد سخدری (عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی مشهد)
- ۵- دکتر جواد عباسی (عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۶- دکتر زهیر صیامیان (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، معاون پژوهشی مرکز تحقیق وقف دانشگاه شهید بهشتی)
- ۷- دکتر سید سعیدرضا احمدی زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند و رئیس بنیاد نخبگان خراسان رضوی و جنوبي)
- ۸- دکتر سید محمد نجاتی حسینی (موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران)
- ۹- دکتر سیدحسن علمالهائی (رئیس پارک علم و فناوری خراسان رضوی)
- ۱۰- دکتر شهرام یوسفی فر (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و رئیس آرشیو ملی ایران)
- ۱۱- دکtor عباس احمدوند، (دانشگاه شهید بهشتی)
- ۱۲- دکتر مجید ممیزیان (دانشگاه علوم پزشکی مشهد)
- ۱۳- دکتر محمدامین قانعی راد (عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست‌گذاری علمی کشور)
- ۱۴- حجت الاسلام احمد شرفخانی (معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه کشور)
- ۱۵- حجت الاسلام دکتر حسین مقیسه (رئیس مرکز تحقیق وقف دانشگاه شهید بهشتی)

چکیده مقالات نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری
۹ آسفندماه ۱۳۹۶

- ۱۶- حجت الاسلام دکتر محمد مهدی باباپور (رئیس دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی)
- ۱۷- حجت الاسلام محمد احمدزاده (مدیرکل سازمان اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی)
- ۱۸- حجت الاسلام محمد حسین الهی زاده (قائم مقام دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم)
- ۱۹- حجت الاسلام محمد فراهانی (مدیر کل مرکز پژوهشی وقف سازمان اوقاف و امور خیریه)
- ۲۰- حجت الاسلام محمود مرویان حسینی، (آستان قدس رضوی)
- ۲۱- دکتر محمدحسن حائری (عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد)
- ۲۲- دکتر محمدصادق خیاطیان (عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی)
- ۲۳- دکتر نهال ریاضی (عضو پیوسته انجمن جامعه‌شناسی ایران)
- ۲۴- مهندس آبینیکی (مشاور علم و فناوری ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه کشور)
- ۲۵- مهندس جعفر زارع (کمیته یاوران وقف علم و فناوری)
- ۲۶- مهندس محمد روح‌الامینی (مشاور علم و فناوری ریاست سازمان اوقاف و امور خیریه کشور)
- ۲۷- مهندس محمد‌مهدی جعفری (عضو هیات مدیره پژوهشکده مطالعات راهبردی آیندگان)

هیات اجرایی همایش

مهندس جعفر زارع (مسئول امور کمیته یاوران وقف علم و فناوری خراسان رضوی)
حجت الاسلام و المسلمین احمدزاده (مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان خراسان رضوی)
دکتر مجید ممیزیان (رئیس مرکز رشد فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی مشهد)
مهندس اسکافی (رئیس کمیسیون فرهنگی اتاق اصناف مشهد)
امیر روح پرور (مدیر روابط عمومی خانه صنعت و معدن و تجارت استان خراسان رضوی)
آقای مجتبی متظری (رئیس شوراهای اجتماعی محلات شهرداری مشهد)
مرتضی لنگری (دفتر همکاری های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده، منطقه شمال شرق)
محمد رضا کشمیری (دفتر همکاری های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده، منطقه شمال شرق)
سید علی رضا سعادت علیجانی (رئیس روابط عمومی دانشگاه فردوسی مشهد)
صادق پاشائی (مدیر دفتر مدیرکل و روابط عمومی صدا و سیمای استان خراسان رضوی)

فهرست مقالات

نقش وقف علم و فناوری در تقویت ساخت درونی کشور رابطه وقف، درخت علم و شرکت‌های دانش بنیان	۱۳	علیرضا آذری
مبانی الهیاتی وقف در میان اقلیت‌های دینی در ایران: «پد روان اود گاهنبار»: بررسی نقش باورهای مزدیسنی در شکل‌گیری موقوفات زرتشتیان احسان افکنده	۱۵	
ظرفیت وقف در توسعه پایدار نظام آموزشی: مدارس وقفی حنانه اکبری نوری، معصومه سلطانی	۱۷	
جایگاه وقف در اندیشه اسلامی حجت الاسلام و المسلمین محمدحسین الهی زاده	۱۹	
ارائه خردمندی‌های سیاستی مداخله آستان قدس رضوی در نهادینه‌سازی جایگاه وقف در توسعه فناوری توسط شرکت‌های دانشبنیان علیرضا باباخان، محمدجلیلی، مهدی رضایی	۲۱	
نقش سازنده بنیادهای دانشگاهی در راستای توسعه ارتباط مؤثر با صنعت و نهاد وقف پریسا بهبهانی	۲۲	
چالش‌های خیردینی در جامعه‌دینی؛ وقف دربستر اولویت‌های نوبن امرخیر محمدرضا پویافر	۲۴	

چکیده مقالات نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری
۹ آسفندماه ۱۳۹۶

نظامیه به مثابه الگویی تاریخی در رابطه بین وقف و علم؛ موسسات آموزشی و چالش منابع مالی علی اصغر چاهیان بروجنی.....	۲۶
روندهای جهانی، چشم اندازها، راهبردها و آموزه‌های ملی وقف علمی محمد حسینی مقدم.....	۲۸
بررسی حوزه‌های وقف در پژوهش‌های بهداشتی و پزشکی خاطره خانجانخانی، محمد مهدی کیانی.....	۳۰
الگوی نوین جذب منابع خیرین و واقفین در تامین مالی طرح‌های فناورانه بر اساس الگوی اسلامی محمود خطیب.....	۳۲
تحلیل راهبردهای ارتقای بهره‌وری و توسعه وقف علم و فناوری در ایران مرتضی درخشان، مهدی طغیانی.....	۳۵
بررسی مدل‌های تامین مالی پروژه‌های فناورانه و پیشنهاد یک مدل بومی و کاربردی مبتنی بر جمع‌سپاری با رویکرد توسعه وقف جمعی علم و فناوری محمد رضا کشمیری، مرتضی لنگری، جعفر زارع، امیر حسام کفاش.....	۳۶
مدلی ترویجی برای علم، وقف و سلامت استفاده از ظرفیت‌های موجود در حوزه وقف و امور خیریه در حل چالش‌های سلامت روان و آسیب‌های اجتماعی هادی زرافشان.....	۳۸
اقتضایات ایده‌های دانشگاه در تعیین و تغییر ساختار مناسبات وقف و علم و فناوری میثم سفیدخوش	۴۰
راهکارهای گسترش مشارکت در توسعه دانشگاه‌های ایران سیدحسین سیدی.....	۴۲

چکیده مقالات نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری
۹ اسفندماه ۱۳۹۶

به سوی مدلی جامعه شناختی برای سیاستگذاری اجتماعی وقف علمی ۴۴.....	احمد شکرچی
راهبرد همسویی وقف و مالکیت فکری در پژوهش‌های مهندسی و فناوری بوسی ۴۶.....	محمد صافی
وقف: میراثی از گذشته، سرمایه‌ای برای آینده: چالش‌های سیاستگذاری پژوهشی در برقراری ربط وقف و علم و فناوری در کشور ۴۷.....	رهبر صیامیان گرجی
ضرورت ایجاد ساختارهای آموزشی و پژوهشی در حوزه امور خیر ۴۹.....	محمد صالح طیب نیا، سیدحسین سیدی
جایگاه وقف برای علوم انسانی در توسعه علمی و فناوری ۵۱.....	جواد عباسی
ضرورت وقف علم و فناوری در تحقق شهر خلاق ۵۳.....	محمد فرزاد
توسعه قلمرو حقوقی نهاد وقف ۵۵.....	کیان فولادی
بکارگیری مدل وقف مشارکتی با رویکرد احیا و تامین منابع آبی کشور ۵۷.....	ملیحه قلی‌بیگی
وقف و امور خیریه در نهاد علم و فناوری ایران معاصر: ارایه رهیافتی نظری، مطالعه چالش‌های وضع موجود و پیشنهاد یک مدل آینده‌نگر ۶۰.....	کاظم کاظمی

چکیده مقالات نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری
۹ اسفندماه ۱۳۹۶

وقف وقت به عنوان شیوه نوین توسعه علم در کشور: راهکارها و ابزارها	ناهید کیانی	۶۲
توسعه علم و فناوری در سایه بنیادهای وقفی: تجربه آمریکا	ناهید کیانی	۶۴
تبیین نقش وقف در تحقق سیاستهای کلان و اقتصاد مقاومتی	سیدعلی مرتضوی امامی زواره	۶۶
شکل‌های اجتماعی فرهنگی استراتژیک وقف علمی	سید محمود نجاتی حسینی	۶۸
نقش دانش فقه در احیاء و ارتقای بهره وری موقوفات	سیدمهدي نريماني زمان آبادي، تقى ابراهيمى سالاري	۷۰
تأمل در تاریخ معاصر اوقاف در طراحی الگوی توسعه و ترویج فرهنگی در عرصه علم و فناوری	میکائیل وحیدی راد	۷۲
وقف در فضای مجازی (بررسی موردی یک سایت قرآنی)	مرضیه یزدی	۷۴

سخن آغازین

در دنیای امروز نیروی انسانی دانشمند و فناور را می‌توان منبع مهم هرگونه توسعه و بهبود در شرایط زندگی جوامع به شمار آورد. چنانکه دست‌یابی به موفقیت در زمینه‌هایی مانند افزایش تولید و ثروت ملی، سلامت، اشتغال، محیط زیست و حتی صلح و همیزی جوامع را نیز می‌بایست از همین رهگذر یعنی پیشبرد علم و فناوری دنبال کرد. به همین جهت تربیت نیروی انسانی علمی و فناور و زمینه‌سازی برای کاربست ایده‌ها و طرح‌های ارائه شده از سوی این بخش معمولاً به عنوان سرمایه‌گذاری زیربنایی و منتهی به توسعه پایدار در نظر گرفته می‌شود. با وجود تواافق همگانی در این مورد یعنی سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی علمی و مولڈ واقعیت موجود این است که در میدان عمل انجام این مهم با چالش‌هایی به ویژه از نظر تأمین منابع مالی روپرست و به همین دلیل به دغدغه‌ای مهم برای نظام‌های مدیریتی تبدیل شده است. به طور مشخص می‌توان گفت که دولت‌ها در این زمینه از توانایی کافی برخوردار نیستند. از سوی دیگر تجربه‌های تاریخی گسترده و سودمندی از پیشبرد علم و دانش با استفاده از سرمایه‌ها و حمایت‌های مردمی در اختیار است که تا عصر کنونی نیز ادامه یافته است. بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری در زمینه علم و فناوری با محوریت دانشگاه‌ها و دستاوردهای آن یعنی توسعه یافتنگی جوامع در جهان امروز نیز نشان از رابطه‌ای معنادار میزان پیشرفت در این زمینه‌ها با میزان پشتیبانی‌های مردمی دارد که غالباً در قالب «وقف» و «خیریه» در انواع مختلف آنها ظاهر می‌شود. سرگذشت دانشگاه‌های طراز اول و تأثیرگذار در سطح جهان و دستاوردهای آنها در حوزه علم و فناوری نیز چیزی جز این را نشان نمی‌دهد. نگاهی اجمالی بر وضعیت توسعه در زمینه علم و فناوری در ایران و سنجش آن با مقیاس‌های جهانی نشان می‌دهد که با وجود برداشته شدن گام‌های موردي و بعضًا افتخارآفرین در این عرصه هنوز تا رسیدن به وضعیتی پایدار، مولڈ و رقابتی در سطح جهان فاصله قابل توجهی وجود دارد. این در حالی است که به نظر می‌رسد با توجه به تجربیات تاریخی غنی و نیز با وجود قابلیت‌های موجود در کشور، همچنان ظرفیت‌های مهمی غیرفعال باقی مانده و یا چنانکه باید فعال نشده‌اند. استفاده از ظرفیت‌های حوزه «وقف» و «خیریه» در پیشبرد فعالیت‌های علمی – دانشگاهی و هدایت این فعالیت‌ها به سوی حوزه فناوری و تولید از جمله قابلیت‌های است که توجه به آن می‌تواند به غلبه بر آنچه می‌توان آن را کم تحرکی و ناپایداری در عرصه علم و

فناوری در کشور دانست، کمک کند. در چنین شرایطی است که حرکت‌های شکل گرفته در چند سال اخیر از جمله پیدایش و گسترش خیریه‌های علمی و دانشگاهی، ایجاد معاونت‌های علم و فناوری در تشکیلات وقفی کشور و به طور مشخص شکل گیری «کمیته یاوران وقف علم و فناوری» را نشانه‌هایی از درک اهمیت موضوع دانست که پیگیری برای عملیاتی شدن اهداف آنها می‌تواند موجب حرکتی تازه و مولّد در حوزه علم و فناوری در کشور باشد. با درک همین اهمیت است که دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان یکی از دانشگاه‌های برتر و پیشرو کشور در ارائه و پیشبرد ایده‌های کاربردی و علمی از پیشنهاد میزبانی «نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری» به عنوانی گامی مهم برای فرهنگ‌سازی و جذب حمایت‌ها و سرمایه‌های وقفی و خیریه به حوزه علم و فناوری استقبال کرد. همایشی که روند شکل گیری آن خود تبدیل به آزمونی شایسته برای همکاری و مشارکت مجموعه گسترهای از دانشگاه‌ها، نهادها و مؤسسات دغدغه‌مند گردید که سپاسگزاری از آنها وظیفه‌ای واجب است. بدون تردید این همایش که با محوریت «الگوهای توسعه و ترویج فرهنگ وقف و علم و فناوری»، «تبیین نظام حقوقی و مدیریتی» و «کاربست علم و فناوری در احیاء و ارتقای بهره‌وری موقوفات» برپا گردیده است گامی آغازین است که تنها با همت بلند و ایمان راسخ مدیران و دغدغه‌مندان و جلب نظر و مشارکت مردمی به سرانجامی شایسته خواهد رسید. چنین باد.

جواد عباسی
دبیر همایش

نقش وقف علم و فناوری در تقویت ساخت درونی کشور رابطه وقف، درخت علم و شرکت‌های دانش‌بنیان

علی‌رضا آذری^۱

منابع خیرین و واقفین، همیشه در خدمت ضروری ترین نیازهای مردم بوده است. این یک قاعده کلی در همه زمان‌ها و مکان‌هاست. خیرین، نیازهای جامعه را از صدایها و فریادهایی که می‌شنوند و مشاهدات عینی خود تشخیص می‌دهند. نیازهای ضروری در هر دوره‌ای و در هر منطقه‌ای بسته به شرایط، متفاوت است. روزگاری مشکل و دغدغه اصلی مردم ایران در مناطق کویری، دسترسی به آب آشامیدنی بود. در آن دوره منابع خیرین به سمت وقف آب‌انبار سوق پیدا کرد. امروز آثار بعضی از این آب‌انبارها در شهرهای کویری هنوز قابل مشاهده است.

در سال‌های اخیر، تحریم‌های فناورانه، هر روز سخت‌تر و دامنه آن وسیع‌تر شده است. وجود چنین تحریم‌هایی نشانه‌ای آشکار از جنگ فناوری است. علت تحریم‌های فناوری، تاثیر و نقش فناوری در پیشرفت کشور است. به فرموده‌ی امام علی(ع) «علم قدرت است». پیشرفت علمی کلید پیشرفت همه‌جانبه‌ی کشور است. اگر بتوانیم علم را به ثروت و ثروت را به علم تبدیل کنیم، یک چرخه‌ی پایدار و رو به توسعه شکل خواهد گرفت.

به فرموده‌ی مقام معظم رهبری: «باید به مرحله‌ای از توانایی بررسیم که بتوانیم با استفاده از علم، تولید ثروت کنیم و از همان ثروت نیز برای پیشرفت علم بهره بگیریم».

اما بررسی شاخص جهانی نوآوری نشان می‌دهد که کشور ایران در تولید علم و تبدیل علم به فناوری، پایه‌پای ترکیه پیشرفت داشته است. اما ایران در تبدیل علم و فناوری به ثروت مشکل دارد. به عبارتی در انجام تحقیقات دانشگاهی و تولید مقاله، عملکرد قابل قبولی داریم. همچنین در انجام تحقیقات کاربردی و تولید فناوری عملکرد ایران قابل قبول است. اما در تجاری‌سازی فناوری موفق نبوده‌ایم. تجاری‌سازی

۱- رئیس حوزه علوم، تحقیقات و توسعه فناوری وزارت دفاع

فناوری، معمولاً وظیفه‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان است.

در دهه ۱۳۷۰، شاهد دوره‌ای بودیم که تعداد دانش‌آموزان کشور به ۱۹,۵ میلیون نفر رسید و بعضی مدارس پنج شیفته شدند. در آن دوران، خیرین و واقفین به کمک آموزش و پرورش شتافتند و بحران مدیریت شد. این حرکت کماکان ادامه دارد. حرکت خیرین مدرسه‌ساز باعث حل بحران آموزش و پرورش شد. عمدۀی خروجی مدارس، وارد دانشگاه‌ها می‌شوند. در سال ۱۳۹۵ حدود ۴,۳ میلیون دانشجو در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بوده‌اند که حدود یک میلیون نفر از آنها در مقطع تحصیلات تکمیلی بوده‌اند و سالانه حدود ۷۰۰ هزار دانش‌آموخته وارد بازار کار می‌شوند. این در حالی است که تنها حدود سه‌هزار شرکت دانش‌بنیان وجود دارد. اینکه زیست‌بوم شرکت‌های دانش‌بنیان از نشاط و وسعت لازم برخوردار نیست باعث می‌شود تا شاهد افزایش تعداد فارغ‌التحیلان بیکار باشیم. بنابراین از این نظر نیز مشکل اصلی در ضعف کمی و کیفی شرکت‌های دانش‌بنیان است.

اما مشکل ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان چیست؟ چرا دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها اقدام به تاسیس شرکت دانش‌بنیان نمی‌کنند؟

هرچند این موضوع دلائل متعددی دارد، اما دلیل عده این است که شرکت‌های دانش‌بنیان قاعدتاً در مرحله‌ی توسعه‌ی فناوری و تولید کار می‌کنند. سرمایه‌گذاری در این دو مرحله ده‌ها برابر بیشتر از سرمایه‌گذاری مورد نیاز در مرحله‌ی تحقیقات است. واقعیت این است که شرکت‌های دانش‌بنیان نیاز به سرمایه‌گذاری دارند.

حمایت خیرین و واقفین از شرکت‌های دانش‌بنیان و تقویت این زیست‌بوم باعث تقویت ساخت درونی کشور می‌شود.

پیشنهادات اجرایی برای سازمان اوقاف و امور خیریه و همچنین مجتمع خیرین:

۱- برای تبدیل علم و فناوری به ثروت و تکمیل چرخه‌ی نجات، از توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان حمایت کنیم.

۲- فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی دانشگاه‌ها را با نیازهای کشور همراستا کنیم. (طرح درخت موضوعات) به عبارت دیگر سر و پیکر دانشگاه‌ها را به یکدیگر متصل کنیم، تا مانند وزارت بهداشت عمل نماید.

برای تحقق این موضوع، از رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها که همراستا با نیازهای کشور است، حمایت کنیم.

مبانی الهیاتی وقف در میان اقلیت‌های دینی در ایران: «پد روان اود گاهنبار»: بررسی نقش باورهای مزدیسنی در شکل‌گیری موقوفات زرتشتیان

احسان افکنده^۱

بنا به شواهد موجود، پیشینه و حضور مفهوم وقف در کیش مزدیسنی به روزگار باستان و پیش از ورود اسلام به ایران می‌رسد. با بررسی و مطالعه متون زرتشتی به ویژه متون به جود آمده در دوره ساسانی -چه کتبیه‌های سلطنتی و چه کتب دینی- می‌توان مشاهده کرد که عناصر دینی به ویژه سرنوشت روح (روان) در شکل‌گیری نهاد وقف که در آن دوران احتمالاً «روانگان دیریه» نامیده می‌شده است بسیار مؤثر بوده‌اند. دلیل محوریت نقش روح در شکل‌گیری نهاد وقف این است که یکی از مهم‌ترین آموزه‌های کیش مزدیسنی که در گذر زمان از دوران باستان تا کنون بر جای مانده است اهمیتی است که این کیش برای مسئله روان به ویژه روان فرد در گذشته قائل است؛ بدین معنی که رستگاری و شادی روان انسان پس از مرگ در گرو اعمال خیریه به خصوص دستگیری از مستمندان و یتیمان تلقی می‌شد. موضوع این موقوفات که بسیاری از آن‌ها به دوره ساسانی می‌رسد ساخت و مرمت آتشکده‌ها و همچنین بنای‌های عام‌المنفعه بوده است. با ورود اسلام به ایران و از دست دادن پشتیبانی سیاسی که کیش مزدیسنی در دوره ساسانی از آن برخوردار بود نهاد وقف و اموال وقفی زرتشتیان چار دگرگونی گشت. یکی از دلایل دگرگونی این بود که اصولاً در فقدان قدرت سیاسی که از وجاهت قانونی اموال وقفی پشتیبانی می‌کرد اکنون زرتشتیان می‌باشد تأییدیه مقامات حکومت اسلامی را برای این نوع اموال خیریه که برای رستگاری روان منظور شده بود به دست می‌آوردند و این امر با بازتعریف این مفهوم در قالب نهاد اسلامی «وقف» میسر شد. دلیل دیگری که به همان اندازه اهمیت داشت این بود که بر طبق قوانین عرفی جدیدی که در جهان اسلامی به وجود آمد که اعضای نو مسلمان در خانواده‌های زرتشتی را به عنوان وارث تمامی اموال خانواده به رسمیت می‌شناخت؛ امری که باعث شد تا بسیاری از زرتشتیان با موقوفه نمودن اموال خویش از محروم شدن اعضای زرتشتی خاندان از اموال موروثی ممانعت به عمل آورند. در نتیجه عوامل فوق می‌توان از قرون نخستین اسلامی به بعد یک دگرگونی اساسی را در ماهیت اموال موقوفی زرتشتیان مشاهده کرد و

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، رایانامه: e_afkande@sbu.ac.ir

آن نیز اختصاص این موقوفات به مراسم‌های دینی و جشن‌های ویژه زرتشیان به خصوص گاهنبار و سدره پوشی بود که ظاهراً از وجاht شرعی کافی برای وقف در جامعه اسلامی برخوردار بودند. این گونه از موقوفات در دوران اسلامی تا دوره قاجار به چشم می‌خورند. شکل نوین تر موقوفات زرتشتی که تحت تأثیر شرایط دشوار اقتصادی زرتشیان ایران که بسیاری از آنان در فقر مطلق می‌زیستند توسط پارسیان هند یعنی زرتشیانی که در همان قرون نخستین به هند مهاجرت کرده بودند در قالب انجمن‌های خیریه برای حمایت از همکیشان خود در ایران به وجود آمدند. بررسی شواهد و اسناد موجود نشان می‌دهد که این بنیان‌های خیریه که تحت تأثیر سنت مزدیسنه رستگاری روان در میان پارسیان هند به وجود آمدند نه تنها در ارتقای وضع اقتصادی زرتشیان مؤثر واقع شدند بلکه در شکل‌گیری موقوفات نوین زرتشتی که اساس موقوفات زرتشتی کنون است یاری مؤثری رساندند. در این شکل نوین آتشگاه‌ها، دخمه‌ها، مدارس و حتی زمین‌هایی جهت احداث مسکن در تهران، یزد و کرمان و دیگر نقاط وقف جامعه زرتشیان گشت. در مجموع می‌توان ردپای عناصر دینی همچون رستگاری روان و جشن‌های دینی مانند گاهنبار را در سه مرحله اساسی شکل‌گیری موقوفات زرتشیان در ایران یعنی دوره ساسانی، قرون نخستین اسلامی و ایران معاصر مشاهده کرد. شناخت این الگوی دینی می‌تواند در راستای برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی برای وقف در عرصه علم و فناوری در میان اقلیت‌های دینی در ایران یاری رساند.

واژگان کلیدی: وقف، زرتشیان، روان، گاهنبار

ظرفیت وقف در توسعه پایدار نظام آموزشی: مدارس وقفي

حنانه اکبری نوری^۱، معصومه سلطانی^۲

نظام آموزشی هر کشور، به منزله بستر رشد و تربیت نیروی انسانی از اهمیت زیادی در عرصه حکمرانی برخوردار است. بی شک تربیت نیروی انسانی متعهد، متدين و کارآمد مولفه اساسی در رشد و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران است. در نتیجه ضرورت اصلاح ساختاری این نهاد آموزشی در جهت تربیت این چنین نیروهایی از اولویت‌های عرصه حکمرانی هر نظامی باشد. بی شک اتخاذ رویکردی پایدار و همه جانبی در اصلاح نظام آموزشی کشور از اهمیتی مضاف برخوردار است. یکی از وجوه نهاد وقف پایداری آن است، و با توجه به تحلیل داده‌ها باید عنوان کرد که امروزه برنامه و روشی که در عین حفظ منبع طبیعی، نیاز نسل‌های کنونی و آینده اجتماع را به صورتی مستمر تامین کند، پایدار محسوب می‌شود. نظام وقف در تاریخ جوامع اسلامی نمونه‌ای از برنامه‌ریزی پایدار را در ستی هزارساله نشان می‌دهد.

از سویی دیگر نکته مهم در خصوص مطالعه وقف نامه‌ها این مساله است که فضا و فعالیت مدرسه‌ها از زندگی اجتماعی و مذهبی جدا و منفک نبود. این عملکرد در کنار دو نکته عبادی و آموزشی اهمیت محوری مدرسه را به عنوان بنای چندمنظوره در بافت شهری خاطرنشان می‌سازد. این امر باعث ارتباط مدرسه با جامعه و در نتیجه استمرار و پایداری می‌شود.

موقوفات در واقع ریشه گرفته اند تا یک پلی را میان نسل‌های متفاوت ایجاد کنند: بین واقفین و خیرین حال و دانش آموزانی که در آینده می‌خواهند رشد و پرورش کنند. در واقع به نوعی میان این دو نسل ایجاد تعهدات می‌کند. در طول بحران‌های اقتصادی از کیفیت کالای تولیدی هم حمایت می‌کند.

احداث مدارس موقوفه علاوه بر تامین مادی منابع و ساختارهای فیزیکی نظام آموزشی می‌تواند نقش مهمی در رشد و پرورش دانش آموزان در مسیری اسلامی- ایرانی داشته باشد، در واقع حضور وقف در نظام آموزشی به ویژه در مدارس که دوره زمانی زیادی از حیات افراد در آن‌ها سپری می‌شود و دوره رشد و پرورش آدمی می‌باشد می‌تواند نقش موثری در تربیت انسانی و اسلامی داشته باشد. یکی از مزیت‌های

۱- دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران، تحلیل گر سیاسی- اجتماعی اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاستگذاری دانشگاه شریف hanane_akbari88@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران m.soltani2404@ut.ac.ir

استفاده از وقف در مدارس و درآمد حاصله از آن در نظام آموزشی کشور موجب می‌شود تا نظام آموزشی و آن بخشی از که از وقف و درآمدهای حاصله از آن استفاده می‌کنند، از ثبات اقتصادی برخوردار است و تحت تاثیر نوسانات بازار و دولت، هزینه‌ها و منابع مالی آن دستخوش تغییر نمی‌شود. در نتیجه می‌تواند در بحران‌های اقتصادی از آسیب به نظام آموزشی جلوگیری به عمل آورد و بار سنگی را از دوش بخش دولتی بردارد.

درس خواندن و علم آموزی در مدارسی که موقوفه هستند، می‌تواند خود تبلیغ موثری در جهت توسعه فرهنگ وقف و امور خیریه باشد، با به کارگیری مدل‌های مختلف در این مدارس می‌توان، دانش آموزان و کارمندان این مدارس را به سمت توسعه امر وقف و امور خیریه سوق داد. چرا که ناخودآگاه غالب کسانی که در محیط‌های وقفی علم آموزی می‌کنند خود علاقه مند می‌شوند که در آینده به احداث و کمک به چنین ساختارهایی دست بزنند. این مدارس در وهله نخست روحیه بخشش و تعاون را در دانش آموزان به وجود می‌آورد. از سویی دیگر این مدارس می‌توانند نوع خاصی از معماری را نیز داشته باشند از این رو می‌توانند روحیه همبستگی و معنویت را نیز ایجاد کنند.

همچنین مدل کارآمد مدارس وقفی با بهبود کیفیت آموزشی می‌توانند جایگزین مناسبی به جای مدارس غیرانتفاعی و تیزهوشان به دست آورد و به دلیل استقلال عمل مالی از مزیت رقابتی نسبت به سایر مدارس برخوردار باشند. از سویی دیگر در مدل نظری کارآمد مدارس وقفی ترویج و تشویق نوآوری و انعطاف پذیری است. مدارسی که از منابع تامین مالی وقفیات هستند می‌توانند در برنامه‌های آموزشی خود از استقلال عمل بیشتری نسبت به برنامه‌های ثابت و مدون دولتی و نهادی برخوردار باشند، در نتیجه این امر در بستر این گونه مدارس نهادینه شده و دانش آموزان نیز از چنین ویژگی برخوردار می‌شوند و ویژگی هایی چون نوآوری و انعطاف پذیری در آن‌ها شکل می‌گیرد. که این امر نوعی جامعه پذیری را سبب می‌شود که ویژگی‌های اسلامی- ایرانی را ترویج می‌کند.

در نتیجه ایجاد مدارس وقفی همه جانبه و پایدار که در ارتباط با محیط اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرند و از استقلال مالی برخوردار هستند، می‌توانند تحولی کارآمد و اثربخش را در توسعه و پیشرفت پایدار نظام آموزشی ایفا کند.

جایگاه وقف در اندیشه اسلامی

حجت الاسلام و المسلمین محمدحسین الهی زاده^۱

وقف در لغت به معنای ایستاندن یا به حالت ایستانده ماندن و آرام گرفتن است و در اصطلاح فقهی، عقدی است که ثمرة آن حبس کردن اصل، و رها کردن منفعت آن است.

وقف به اعتبار موقوف علیهم یا خاص است یا عام: وقف خاص وقف بر شخص یا اشخاص معین است، مانند وقف بر اولاد و یا وقف بر زید و فرزندان وی؛ وقف عام یا وقف بر جهات و مصالح عمومی است، مانند مساجد، مکان‌های استراحت و مدارس و یا وقف بر عناوین کلی است، مثل فقیران، یتیمان، بیماران و

....

واقف می‌تواند عین موقوفه را به دو صورت انتفاع یا منفعت وقف کند. وقف انتفاع مثل وقف خانه برای سکونت موقوف علیهم؛ وقف منفعت مثل وقف خانه برای صرف منفعت آن برای موقوف علیهم.

حبس: در لغت به معنای بازداشت و مکان بازداشت است و در اصطلاح فقه عبارت است ابا حمه مجانی منافع برای جهتی یا شخصی معین و یا عنوانی از عناوین؛ یعنی این که فردی، یعنی معین از ملک خود را برای جهتی معین از جهات خیر حبس کند، مانند حبس مركب برای انتقال حاجیان به مکه، یا عنوانی از عناوین، مانند حبس ملکی برای فقرا یا علماء و یا برای شخصی معین؛ بدین گونه که منافع آن برای همیشه یا مدتی معین در آن جهت یا برای آن عنوان یا شخص صرف گردد. حبس در کنار سکنی، عمری و رقبی، عنوانی مستقل در فقه است.

فرق وقف و حبس: در وقف بنا بر مشهور، عین از ملک خارج می‌شود و یا بنابر قول مقابل مشهور، موجب ممنوعیت مالک از همه تصرفات می‌گردد؛ هر چند از ملک خارج نمی‌شود؛ اما در حبس، عین در ملک مالک می‌ماند و یا از تصرفات غیر مزاحم با استیفای منفعت ممنوع نمی‌گردد. از این‌رو، فروختن عین حبس شده جایز است. البته بنا بر قول به خروج عین از ملک در حبس دائم آن بر جهات خیر، این تفاوت در این نوع حبس متفاوت است. بنا بر تصریح بسیاری، آن‌چه وقف آن صحیح است، حبس آن نیز صحیح است.

۱- قائم مقام دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

سكنی: عبارت است از مسلط کردن دیگری بر ملک خود جهت بهره برداری خاص (سکونت) از آن به رایگان، با بقای ملک بر ملکیت مالک آن.

سكنی اگر مقید به زمانی خاص مثلاً یک سال باشد، به ملاحظه انتظار کشیدن تمام شدن مدت تعیین شده، رقبی و چنانچه به عمر مالک یا سکونت کننده مقید باشد عمری نامیده می‌شود.

بنابراین، سکنی اعم از رقبی و عمری است. البته این در صورتی است که در متن عقد لفظ سکنی به کار رفته باشد، مانند آنکه مالک بگوید: سکونت این خانه، تا من زنده‌ام از آن تو باشد؛ اما اگر لفظ به کار رفته در عقد، رقبی یا عمری باشد، عقد، سکنی نامیده نمی‌شود؛ بلکه بر آن تنها عمری یا رقبی اطلاق می‌گردد. در نتیجه، نسبت بین سکنی و آن دو، عموم و خصوص من وجه خواهد بود؛ زیرا با اشتغال عقد بر لفظ سکنی و تقيید آن به زمانی خاص، هر دو عنوان سکنی و رقبی بر آن اطلاق می‌شود و با اشتغال عقد بر لفظ رقبی، تنها رقبی به آن اطلاق می‌گردد. از سوی دیگر، با اشتغال عقد بر لفظ سکنی و تقيید سکنی به عمر مالک یا سکونت کننده، هر دو عنوان سکنی و عمری بر آن اطلاق می‌شود و در این صورت چنانچه در متن عقد لفظ عمری به کار رفته باشد، تنها عمری به آن اطلاق می‌گردد. البته عمری و رقبی از جهت متعلق اعم از سکنی هستند؛ زیرا متعلق سکنی تنها مسکن است؛ در حالی که متعلق رقبی و عمری اعم از مسکن و دیگر اعيانی است که انتفاع از آنها با حفظ بقای آنها امکان پذیر است، مانند زمین، وسیله نقلیه، اثاث و ابزار. البته برخی گفته‌اند: نسبت میان عقود سکنی، رقبی و عمری تباين است. بنابراین، در صورت اشتغال عقد بر لفظ سکنی، تنها سکنی صادق است؛ هرچند مقید به زمانی خاص یا عمر مالک یا ساکن شونده آن باشد و در صورت اشتغال بر لفظ رقبی یا عمری، تنها رقبی یا عمری صادق خواهد بود.

نذر آن است که انسان ملتزم شود که کار خیری را برای خدا بجا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است برای خدا ترک نماید.

وصیت به وقف برای بعد از مرگ مانند دیگر وصایای میت از ثلث مال او حساب می‌شود. این موارد نشان از جایگاه وقف در اندیشه اسلامی برای حمایت حقوقی و مالی از حوزه‌های مرتبط با علم است که با تأمل و تدبیر در آن می‌تواند برای تحکیم رابطه وقف و علم مورد استفاده قرار گیرد.

ارائه خردماهیه‌های سیاستی مداخله آستان قدس رضوی در نهادینه‌سازی جایگاه وقف در توسعه فناوری توسط شرکت‌های دانش‌بنیان

علیرضا باباخان^۱، محمد جلیلی، مهدی رضایی

انباشت دانش و سرمایه به عنوان یک عامل محرك کلیدی برای توسعه فناوری، به خصوص در کشورهای در حال پیشرفت قلمداد می‌شود. با توجه به اینکه بیش از ۶۰٪ شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور، نوپا بوده و علی‌رغم بهره‌مندی از سطح مناسبی از دانش و فناوری، در تامین سرمایه‌های فیزیکی و تجهیزات پیشرفته با مشکل مواجه هستند. از سوی دیگر، ظرفیت‌های سازوکار «وقف» قابلیت حل کردن این مسئله را دارا می‌باشد و به همین دلیل، تلاش برای ارتقای سطح شرکت‌های دانش‌بنیان با استفاده از سازوکار وقف، ضرورت می‌یابد. تحقیق حاضر، با اتخاذ یک رویکرد تحلیلی و با استفاده از روش نظریه بازی‌ها، مباردت به ارائه خردماهیه‌های سیاستی مداخله آستان قدس رضوی در نهادینه‌سازی جایگاه وقف در توسعه فناوری توسط شرکت‌های دانش‌بنیان نموده است. بر این اساس، توصیه می‌شود آستان قدس رضوی به جای مداخله مستقیم در سازوکارهای توسعه فناوری، در راستای تسهیل همکاری بین سه بازیگر اصلی، یعنی شرکت دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و واقفین، اقدام نماید.

واژگان کلیدی: توسعه فناوری، شرکت دانش‌بنیان، وقف، آستان قدس رضوی، تسهیل گری.

۱- مدیر عامل صندوق پژوهش و فناوری کریمه

نقش سازنده بنیادهای دانشگاهی در راستای توسعه ارتباط مؤثر با صنعت و نهاد وقف

پریسا بهبهانی^۱

بنیادهای دانشگاهی یک سازمان مردم‌نهاد ثبت شده در وزارت کشور و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که به عنوان یک بخش توسعه‌دهنده کسب و کار در کنار دانشگاه فعالیت دارد. یکی از محورهای اساسی فعالیت‌های آن جذب مشارکت‌های خیرین و واقفین می‌باشد. ایجاد ارتباط مؤثر فی‌ساین دانشگاه، تجارت، تولید صنعتی و بخش خصوصی، داشتن ایده و تهیه طرح تجاری، ایجاد شرکت پروژه‌های متعدد با توجه به نیاز کشور و توانمندی‌های دانشگاه از اهداف این بنیادها و بالاخص "بنیاد دانشگاهی شهید بهشتی" می‌باشد. از جمله رسالت‌های خطیر بنیادهای مذکور، استفاده از منابع خیرین جهت کمک به زیرساخت‌های موردنیاز دانشجویان و اهداف دانشگاه و همچنین ایجاد زمینه‌های مناسب در حوزه‌های علم و فناوری می‌باشد. لیکن مسئله قابل تأمل این است که بهترین فرایند با در نظر گرفتن انتفاع مشترک برای اجرایی نمودن اهداف مذکور و در نتیجه گسترش ارتباط مؤثر صنعت، تجارت، خیرین و دانشگاه به چه صورت باید طراحی گردد.

پیش‌بینی می‌گردد ایجاد ارتباط بین صنعت و دانشگاه می‌تواند از طریق این بنیادها تسهیل گردد. در این راستا به پارامترهای مؤثری همچون تبادل نیروی انسانی بین دانشگاه و صنعت، فعالیت‌های علمی، پژوهشی و راهاندازی آزمایشگاه‌های تحقیقاتی مشترک، برگزاری دوره‌های آموزشی-صنعتی برای دانشجویان، تأسیس شرکت پروژه‌های مشترک، برگزاری دوره‌های مهارتی-آموزشی کاربردی برای کارکنان بخش صنعت، الگوی بازدید اساتید و دانشجویان دانشگاه از صنعت و بالعکس و انتقال فناوری و بومی‌سازی آن می‌توان اشاره نمود.

حل شکاف میان صنعت و دانشگاه و لمس مشکلات صنعت توسط دانشگاهیان، حضور فعال دانشگاهیان در صحنه تولید و ارائه راهکارهای عملی آنان، جایگزینی پروژه‌های عملیاتی به جای مقالات آرشیوی، انجام پژوهش‌ها با رویکرد نیاز داخلی و بازار صادرات جایگزین پژوهش‌های صرفاً مقاله محور، ارتباط

۱- معاون امور آموزش و توسعه پروژه‌های بنیاد دانشگاهی شهید بهشتی

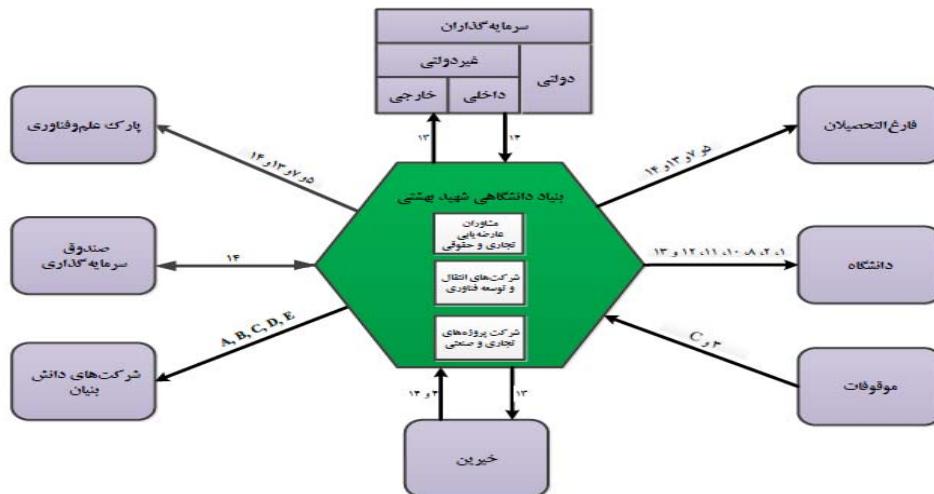
سازنده بنيادها با دفاتر ارتباط با صنعت و پارک‌های علم و فناوری دانشگاه‌ها، همچنین ارتباط مؤثر با سازمان‌های صنعت،معدن، تجارت استان‌ها و اتاق‌های بازرگانی و ایجاد زمینه‌های مناسب جهت آشنایی بخش تولید با فعالیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیانی می‌تواند سرلوحه اهداف و رسالت‌های اين بنيادها قرار گيرد.

شایان ذکر است بنيادهای دانشگاهی به عنوان نهادهای وابسته به دانشگاه و با توجه به ظرفیت‌های قانونی خود می‌توانند ابتدا با تعریف ارتباط دانشگاه با حوزه‌های صنعت، تجارت و کارآفرینی، ظرفیت‌های بالقوه دانشگاهی را عملیاتی نموده و در مرحله بعد با جذب خیرین و واقفین در حوزه‌های علم و فناوری در راستای اجرایی نمودن پروژه‌های صنعتی با نگاه علم و فناوری متمرث مراقب باشند.

این رویکرد می‌تواند فرهنگ جدیدی از وقف را اشاعه داده و خیرین و واقفین محترم این حوزه را در اجرای اموری به غیر از گسترش ابعاد سخت‌افزاری دانشگاه‌ها از جمله ساخت خوابگاه‌ها، کتابخانه‌ها و ... رهنمود نماید.

امید آن که همکاری مشترک فی‌مابین بنيادهای دانشگاهی و سازمان محترم اوقاف، با اقتدا به فرمایش مقام معظم رهبری در راستای گسترش فرهنگ وقف در حوزه‌های علم و فناوری سهیم باشیم

طرح توجیهی کسب و کار بنياد دانشگاهی شهید بهشتی



چالش‌های خیر دینی در جامعه دینی؛ وقف در بستر اولویت‌های نوین امر خیر

محمد رضا پویافر^۱

طبق تعریف، وقف به معنای حبس عین و تسییل منافع است. طی قرن‌ها و سال‌های متتمادی این تعریف به ویژه با توجه به مفهوم «عینِ مال» شامل محدوده‌ای مشخص از موارد و اهداف بوده است. در عین حال در همان چارچوب سنتی هم وقف دایره‌ای وسیع را، البته متناسب با شرایط آن دوره زمانی، در بر داشته است. وقف کتاب، یکی از نمونه‌های توجه به وقف دانش و خرد بشری برای اهداف انسانی بوده است. به علاوه، «تسییل منافع» هم در جای خود شامل تنوع نسبتاً خوبی بوده است. استفاده از منافع حاصل از موقوفه برای حمایت از حیوانات بی‌پناه، یکی از همین موارد است. اما طی چند دهه گذشته، بر خلاف روند پرسرعت تحولات اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیک، میزان تحولات در دایره مفهومی وقف، چه در تعریف عین و چه در تعریف تسییل منافع، حتی دچار رخوت و سنت گرایی شدید شده است. این سنت گرایی حتی در نوع نگاه به «نوگرایی» در سنت وقف هم مشاهده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی رویه‌های جاری حتی در وقف برای اهداف علمی، باقی ماندن در کلیشه‌ی وقف‌بناها یا امکانات زیرساختی است. در مورد موضوعات وقف هم آنچه مشاهده می‌شود، عموماً از چند موضوع محدود و معدّتاً مرتبط با ساخت بناهای عمرانی و ایجاد امکانات زیرساختی و در برخی موارد، حمایت مالی از تحصیل دانش‌آموزان و دانشجویان، خارج نمی‌شود. ساخت دانشگاه، تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و همچنین استفاده از موقوفات برای درآمدزایی با استفاده از روش‌های فن‌آورانه، روش‌های اصلی مورد توجه در دوره جدید توجه به وقف برای علم و فناوری است. اما آنچه اهمیت دارد، توجه به شیوه‌های نوین بازنده‌ی در این مورد است. این باز اندیشه هم در نحوه بازتعریف مفهوم «عینِ مال» و هم در نحوه تعریف «تسییل منافع» ضرورت جدی دارد. در این مقاله به بررسی زمینه‌های نوگرایی بیشتر در موج جدید وقف در حوزه علم و فناوری پرداخته شده است. این نوگرایی در امور خیر به ویژه امر خیر دینی و به طور اخص، وقف از آن رو اهمیت و ضرورت ویژه می‌باید که یادآور شویم جامعه ایران با ساختار اجتماعی و فرهنگی دینی تاریخچه‌ای طولانی در مشارکت خیریه مردمی و انواع مشارکت‌های خیر دینی از جمله در قالب وقف داشته است. از سوی دیگر، نیازهای جدید جامعه به تبع خود، موجب تعریف گروه‌های جدیدی به عنوان نیازمند شده است. این در حالی است

۱- استادیار جامعه شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین، mrpouyafar@gmail.com

که نهادهای دینی سنتی همچون مساجد و هیأت‌های مذهبی، با نوع عملکرد خود در حوزه امور خیریه، یک نوع مرزبندی و تفاوت گذاری بین «امور خیر با ارزش و بیشتر دارای ثواب» با «امور خیر کمتر مهم» ایجاد کرده و عملاً موجب کوچک کردنِ دایره تعریف و چترِ مفهومی «امر خیر دینی» شده‌اند. این رویه، در واقع در مسیر قطعه شدن فرهنگ در جامعه دینی تعریف می‌شود؛ فرایندی که به تغییر جامعه شناسانی همچون پیتر برگر و پارسونز، با کوچک کردن سایبان و قلمرو مقدس دین، منجر به تقویت روندهای عرفی شدن (Secularization) در جامعه می‌شود. بنابراین، گویی روندی در جامعه – در اینجا در فعالیت‌های نهادهای دینی در حوزه امور خیر دینی، آن هم در جامعه دینی – در حال رخ دادن است که خود به خود منجر به تولید مکانیزم‌های ضد دین، به ویژه عرفی شدن عمل می‌کند. بنابراین این مقاله در پی ارایه تبیینی از ضرورت‌ها و چگونگی بازتعریف وقف، به عنوان یک مدل کلاسیک و ماندگار در امر خیر دینی، بر اساس نیازهای جامعه‌ی امروز و گروه‌های نیازمندِ توجه در رویارویی با مسائل اجتماعی جدید است.

تعريف وقف منافع موقوفات برای حمایت از ایده‌های نوآورانه و کسب و کارهای نوپا برای توسعه اشتغال جوانان تحصیل کرده و همچنین وقف منافع حاصل از پژوهش‌های کاربردی برای توسعه بیشتر پژوهش در یک حوزه تخصصی از علم، از جمله زمینه‌های مورد بررسی در این مقاله است. به عنوان نمونه این که یک پژوهشگر دانشگاهی با وقف منافع مالی حاصل از پژوهش خود، عرصه‌ای جدید از «حبس عین» را توسعه دهد و همچنین بتواند «تبییل منافع» آن را هم در جهت توسعه پژوهش‌های بعدی در یک موضع خاص یا حمایت از دانشجویان و دانش پژوهان در یک قلمرو علمی قرار دهد، به نوبه خود می‌تواند نمونه‌ای از ثمرات این نوع بازاندیشی را در نگاه به امر خیر دینی (وقف) در پاسخ به نیازهای جامعه جدید به ویژه در حوزه علم نشان دهد. همچنین در این مقاله در مورد چگونگی تعریف چارچوب کاری کسب و کارهای نوپا (برای حمایت از اشتغال جوانان تحصیل کرده) و فن آورانه در قالب یک موسسه با الگوی وقف برای جذب منابع و استمرار فعالیتها، بحث و بررسی خواهد شد. همچنین مدل‌های نوینی مانند کارآفرینی اجتماعی (به عنوان یک الگوی نوین در امور خیر) هم در ترکیب با مدل وقف، می‌تواند جهشی مهم در تأمین منابع برای شکل گیری یک حمایت پایدار از نیازمندان با ایجاد اشتغال برای آنان ایجاد کند. در واقع در اینجا نیز «وقف» می‌تواند از طریق ترکیب با مدل‌های کارآفرینی اجتماعی و همچنین ترکیب با مدل‌های کسب و کارهای نوپا، الگوهای متعالی از امور خیر دانش بینان را در جامعه اسلامی ارایه دهد. بر این اساس، در جمع بندی مقاله، کارکرد مهم نگاه‌های نوین یادشده در جهت توسعه مفهوم خیر دینی به وسیله مدل بسیار کارآمد «وقف» تبیین خواهد شد.

وازگان کلیدی: وقف، خیر دینی، الگوی خیر نوین، علم و فناوری، کسب و کار

نظامیه به مثابه الگویی تاریخی در رابطه بین وقف و علم؛ מוסسات آموزشی و چالش منابع مالی

علی اصغر چاهیان بروجنی^۱

در دهه‌های اخیر در کشور ایران غالب دانشگاه‌های دولتی با پشتوانه دولتی و بودجه سالانه دولت شکل گرفتند. اغلب بودجه مالی این دانشگاه‌ها از خزانه تامین می‌گشت. در بین دانشگاه‌های سراسری تنها دانشگاه تهران از پاره‌ای و قفیات برخوردار می‌باشد و می‌تواند قسمتی از بودجه خود را از محل موقوفات تامین نموده و صرف رشد علمی این دانشگاه نماید. در دیگر دانشگاه‌ها نیز که تماماً به پشتوانه دولتی وابسته‌اند. با افت و خیز مسائل اقتصادی کشور، منبع مالی این دانشگاه‌ها و نتیجتاً وضعیت علمی و فناوری آنها دچار آسیب می‌گشت. در دهه هشتاد نیز دانشگاه‌ها دولتی بسیاری شکل گرفتند که اساس و ساختار آنها بر مبنای بودجه دولتی می‌باشد بدون آنکه وقفیات و منابع مالی برای این موسسات در نظر گرفته شده باشد.

علاوه بر دانشگاه‌های سراسری و دولتی و نیمه دولتی، دانشگاه‌های خصوصی همچون دانشگاه آزاد اسلامی نیز ایجاد شدند. دانشگاه آزاد در سراسر ایران به صورت واحدهای کوچک و بزرگ و غیره تکثیر یافت. گرچه از این نهاد آموزشی به عنوان موقوفه یاد می‌گردد ولی سازکار وقفیات آن مشخص نمی‌باشد. عمدۀ منبع مالی این دانشگاه و دیگر دانشگاه‌های خصوصی بر اساس شهریه دانشجو شکل گرفته و هزینه جاری آنها از محل پرداخت شهریه دانشجویان تامین می‌گردد. رقابت دانشگاه‌های مختلف در پذیرش دانشجو و کاهش تراکم جمیعتی متقارضیان ورود به دانشگاه‌ها، این قبیل دانشگاه‌ها را در تامین منابع مالی با مشکل روبرو نمود. نتیجتاً این دانشگاه‌ها دو رویه را در پیش گرفتند که هر دو موجبات کاهش کیفی سطح آموزشی دانشگاه‌ها و نظام آموزشی را فراهم خواهد آورد. اول آنکه بسیاری از دانشگاه‌های خصوصی سعی در توسعه و ایجاد مقاطع تحصیلات تکمیلی و پذیرش بی‌رویه دانشجو در مقاطع ارشد و دکترا نمودند و از سوی دیگر در رقابت با مراکز آموزشی همچوار خود اقدام به پایین آوردن سطح ارزشیابی و آموزشی خویش نمودند تا بتوانند دانشجویان بیشتر و نهایتاً در آمد بیشتری جذب نمایند. یکی از راهکارهای تحول در این وضعیت استفاده از تجربه‌های تاریخی در این زمینه است. در عصر

۱- دانش آموخته دکترای تاریخ دانشگاه تبریز aliasghar.chahian@yahoo.com

سلجوقي واحدهای آموزشی به نام نظاميه شکل گرفتند. تا قبل از دوره سلجوقی در شرق و در قلمرو سامانیان و غزنویان مدارسي با برنامه‌های آموزشی متنوع حضور داشتند و عمدتاً وابسته به وقفيات خويش بودند. در غرب ايران نيز دارالعلم‌ها با وابستگی به وقفيات رویه جداگانه‌ای را طی می‌نمودند. اما نظاميه‌ها با برنامه علمي فراگير در سراسر کشور و در شهرهای مختلف ايجاد شدند. قبل از ايجاد هر يك از اين مراكز علمي، منع مالي آنها با تکيه بر وقف مشخص گردید و با ايجاد وقفايame‌اي نحوه مصارف عواید موقوفات مشخص گردید. با استفاده از عواید وقفيات اساتيد و طلاب آنها دارای مواجب گردیدند. با درگذشت خواجه نظام الملک، گرچه اين مراكز علمي پشتوانه سياسي خويش را از دست دادند ولی با اين حال بدليل وابستگی به وقفيات حيات خويش را حفظ نمودند. تنها حمله‌های اقوام مختلف بعد از سقوط و انزواجال سلاجقه آسيب پذيری موقوفات را به همراه آورد که متعاقباً نظاميه را دچار انحطاط نمود. در اين بين بعد از استقرار ايلخانان در ايران نظاميه بغداد توانست به فعالیت خود ادامه دهد که اين مهم نيز بعد از احيائي وقفيات اين نظاميه صورت گرفت. اينك اين پژوهش سعی دارد با روش توصيفي تحليلي و روبيکرد تاريخي و تطبيقی به مقايسه سистем مالي و اداري نظاميه‌ها که متکي بر موقوفات قرار داشتند و از نظر مالي مستقل بودند را با روش تامين منابع مالي موسسات آموزش عالي فعلى مقايسه نموده و پيامدهای اين دو شيوه تامين منابع مالي را مورد بازکاوي قرار دهد.

واژگان کلیدی: وقف، نظاميه، دانشگاه، نظام آموزشی، شهریه دانشجویی.

روندهای جهانی، چشم اندازها، راهبردها و آموزه‌های ملی وقف علمی

محمد حسینی مقدم^۱

پرورش نخبگان علمی به عنوان سرمایه‌های اصلی مورد نیاز برای دستیابی به پیشرفت‌های مادی و معنوی از جمله نیروهای پیشران در فرایند خط‌مشی گذاری کشورهای توسعه‌خواه است. در جهان امروز میزان و چگونگی تأمین منابع مالی مورد نیاز برای آموزش و تربیت افراد جامعه و مهیا کردن بستر مناسب به منظور گذار آنها از صاحبان بالقوه استعدادهای برتر جامعه به افراد نخبه، سرآمد و تأثیرگذار در جامعه از شاخص‌های میزان پیشرفت و توسعه کشورها است. موضوع مهم چگونگی تأمین منابع مالی مورد نیاز است.

کج کارکردی ساختارهای اقتصادی کشور در طول یکصدسال گذشته و وابستگی صرف آنها به منابع دولتی حاصل از فروش ذخایر نفت و سپس گاز باعث شده نوعی نابسامانی در این فرایند بوجود آید؛ به شکلی که مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناورانه که خود می‌باید موّلد ارزش افروزه اقتصادی باشند تنها و تنها چشم به دستان دولت‌ها دوخته‌اند تا منابع مالی مورد نیاز برای اداره امور جاری خود را تأمین کنند. این موضوع تنها دامنگیر دانشگاه‌های نوپا نبوده بلکه مهمنتر از دانشگاه‌های نوپا دامنگیر تمامی دانشگاه‌های برتر کشور است به شکلی که چنانچه دولت مرکزی تصمیم بگیرد درآمد دانشگاه‌های برتر کشور که بعضی از آنها بیش از ۵ دهه سابقه فعالیت دارند را قطع کند این مؤسسات توان اداره امور خود را حتی برای یک سال مالی ندارند.

تنگاه‌های مالی کشور طی دهه اخیر که نقطه عطف آن وضع تحریم‌های بین‌المللی بود گواهی بر بحران تأمین منابع مالی مورد نیاز نهادهای علمی و فناورانه کشور بود. به نسبت کاهش درآمدهای دولت در فروش منابع نفت و گاز بودجه و اعتبار نهادهای علمی نیز دستخوش افت و خیز شد و ناکارآمدی نهادهای علمی و فناوری را در خود کفا و مستقل بودن نشان داد. شاید یکی از دلایل عدم استقلال دانشگاه‌ها در نظام برنامه‌ریزی و ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، فناورانه، نوآورانه و مشاوره‌ای نداشتن استقلال مالی

۱- استادیار گروه مطالعات آینده‌نگر، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی mh_moghadam@yahoo.com

مناسب باشد. همین عدم استقلال باعث شده به رغم تکوین ماهیت نظام حکمرانی دانشگاه مبتنی بر هیأت‌های امنا، شورای دانشگاه و ... در عمل سیاست‌ها، باید ها و نباید های دانشگاه ها از بالا به پایین و توسط دستگاه های اجرایی ذی ربط از قبیل وزارت علوم و وزارت بهداشت تعیین شود.

روی آوردن به منابع مالی جایگزین از قبیل وقف و کمک‌های خیریه یکی از آینده‌های بدیل پیش‌روی مؤسسات آموزشی، پژوهشی و فناورانه است. سرآمدی و درخشش مؤسسات مذکور در ارائه خدمات مناسب به جامعه می‌تواند زمینه‌های مناسبی برای ترغیب خیران و واقفان ایجاد کند تا برای بهبود بخشیدن به فرایند تربیت استعدادهای برتر و پرورش نخبگان و سرآمدان آینده جامعه کمک‌های خود را در حوزه‌های علمی و فناورانه متوجه کنند.

در این مقاله تلاش شده است تجربه‌های جهانی کمک‌های خیریه بررسی شود. روش استفاده شده در این مقاله «تحلیل روند» براساس رویکردهای آینده‌پژوهی است. از این رو براساس استناد قابل دسترس روندهای جهانی وقف و کمک‌های خیریه در ساحت‌های مرتبط با علم و فناوری بررسی شده است. در پایان تلاش شده است با تکیه بر احصای تجارب جهانی و نیز تجارب ملی پیشنهادهایی به منظور گسترش کمک خیران در حوزه‌های علمی برحسب آینده‌های مطلوب، چشم‌اندازها، راهبردها و آموزه‌های ملی ارائه شود. رئوس اصلی پیشنهادهای قابل ارائه به شرح زیر هستند:

- تحلیل روندهای وقف علمی در ایران
 - شناسایی پیشانهای وقف علمی در ایران
 - شناسایی عوامل نو ظهور ترغیب کننده خیران و واقفان به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های علمی
 - شفاف‌سازی عرصه‌های وقف علمی برای خیران و واقفان
 - طی فرایند اعتمادسازی درخصوص مصاديق نوین وقف علمی برای خیران و واقفان
 - مشارکت سرآمدان علم و فناوری به منظور ترغیب واقفان و خیران
 - ایجاد مسیرهای مطمئن و پایدار برای واقفان و خیران در حوزه‌های علمی
- وازگان کلیدی:** آینده‌نگری، خیران، وقف، تحلیل روند، منابع مالی رانیه، نخبگان، صاحبان استعدادهای برتر

بررسی حوزه‌های وقف در پژوهش‌های بهداشتی و پزشکی

خاطره خان جانخانی^۱، محمد مهدی کیانی^۲

سنت حسن وقف در طول تاریخ یکی از موثرترین راه‌های همیاری، خیرخواهی و نوع دوستی انسان و وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف متعالی در جوامع بشری بوده است. از سوی دیگر دسترسی به بالاترین سطح سلامت و ارتقای آن نه تنها آرزوی همه حکومت‌ها، بلکه یکی از حقوق اساسی جوامع بشری نیز است. برای دستیابی به سلامت بهتر، به انجام پژوهش‌هایی در حوزه‌های بهداشتی و درمانی نیاز است تا بتوان با استفاده از نتایج آن به بهترین راه پیشگیری و درمان بیماری‌ها دست یافت. این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی حوزه‌های وقف در پژوهش‌های بهداشتی و پزشکی و به طور کلی سلامت انجام شد. روش کار: این پژوهش با استفاده از منابع علمی و به صورت یک مطالعات کتابخانه‌ای و مروری انجام شد. جهت جمع آوری داده‌ها، مقالات، گزارش‌ها و مصاحبه‌های انجام شده در خصوص جایگاه و حوزه‌های وقف در تحقیقات و اقدامات بهداشتی و پزشکی مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از روش‌های کیفی تحلیل شد. یافته‌ها: بررسی داده‌ها نشان داد موقوفاتی که در حوزه پژوهش‌های سلامت محور انجام می‌شود، در سه دسته کلی پژوهش‌های بهداشتی، پژوهش‌های درمانی و ملزومات عام پژوهش قرار می‌گیرد. در حوزه پژوهش‌های بهداشتی می‌توان مصادیقی نظری تحقیقات مربوط به تولید واکسن، انتخاب بهترین راهکار پیشگیری از بیماری‌ها خصوصاً بیماری‌های غیر واگیر و آموزش بهداشت را نام برد. در حوزه پژوهش‌های درمانی، تحقیقات مربوط به تولید دارو، روش‌های جدید درمان مانند درمان ناباروری و اهدای جسد جهت انجام پژوهش‌های آموزشی-پژوهشی را می‌توان برشمود. وقفیات مالی، کمک در تدوین و چاپ کتاب، ساخت کتابخانه، آزمایشگاه، فضای آموزشی، تجهیزات آزمایشگاهی و سایر زیرساخت‌ها نیز از جمله مصادیق ملزومات عام پژوهش هستند. می‌توان اینگونه نتیجه گرفت با توجه به اهمیت سلامت در جوامع و نیز توجه به جایگاه پژوهش در ارتقای سطح سلامت، هدایت پژوهش‌های وقفی به این حوزه دارای اهمیت زیادی است. از سوی دیگر از آنجا که مقوله وقف ارتباط تنگاتنگی با جامعه مدنی دارد، درگیر ساختن جامعه مدنی با پژوهش و آموزش حوزه سلامت می‌تواند نیروی محركه ای برای

- ۱- دانشجوی دکتری سیاست گذاری سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران
- ۲- دانشجوی دکتری سیاست گذاری سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران

ارتقای مسئولیت فردی در سلامت، خودکفایی در حوزه سلامت و به طور کلی ارتقای سطح سلامت شود. لذا پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های متولی سلامت با بررسی نیازهای پژوهش و اولویت بندی آنها و نیز با اگاهی بخشی به سازمان‌های مردم نهاد، جامعه مدنی و واقفین که در چشم انداز بلند مدت نظام سلامت نقش بسزایی دارند، آن‌ها را به عرصه سلامت جذب کرده و متناسب با نیازهای موجود به ارتقای پژوهش‌های مرتبط با سلامت جامعه اقدام نمایند. نیات و مصاديق وقف در حوزه علم و فناوری در کشور شامل مدارس تخصصی، دانشگاه، مرکز پژوهشی، جوایز علم و فناوری، حمایت از نخبگان، نوآوران و تجاری سازی فناوری‌ها، گرنت‌های پژوهشی، تقویت زیرساخت‌های توسعه فناوری، حمایت از واحدهای فناور و شرکت‌های نوپا می‌تواند تعریف شود.

الگوی نوین جذب منابع خیرین و واقفین در تامین مالی طرح‌های فناورانه بر اساس الگوی اسلامی

محمود خطیب^۱

تامین مالی طرح‌های نواورانه و فناورانه در سال‌های اخیر با توجه به رشد علمی کشور به عنوان یک موضوع راهبردی در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی می‌باشد. فقدان روش‌های مختلف تامین مالی در سیستم بانکی و بازار سرمایه مناسب با حمایت از طرح‌های فناورانه و نوآورانه با وجود چالش‌های بسیار در مسیر تامین منابع لازم برای رشد طرح‌ها همچون ریسک بالا، نبود الگوهای نظری، رویکردهای اعتبار دهنده و ارزش گذاری طرح‌ها و... و همچنین پتانسیل بالای واقفین و خیرین در تامین منابع مورد نیاز برای امور خیریه کشور، لزوم انجام مطالعات وسیع تر در نقش وقف علم و فناوری در تامین مالی خرد اسلامی کشور را حقیقی انکارناپذیر کرده است.

حمایت از بخش واقعی اقتصاد، از مهمترین کارکردهای یک نظام مالی اسلامی کارآمد است. چنین نظامی باید صرفاً در راستای تقویت بخش واقعی اقتصاد عمل کند و پیوسته به دنبال پاسخگویی برای رفع نیازهای اساسی آن باشد. دین مقدس اسلام به عنوان کاملترین دین الهی، برنامهای جامع و کامل در راستای سعادتمندی انسان دارد. وقف از جمله سفارش‌های مؤکد اسلام است. وقف واجب نیست، اما مصلحت‌های فراوانی دارد که در تعالی روح و ایجاد معنویت در جامعه سهم بسزایی ایفا می‌کند. افراد زیادی علاقه‌مند به وقف هستند لیکن این امکان برای همگان فراهم نمی‌شود؛ به ویژه اگر عین موقوفه از نوع ساختمان، مدرسه و... باشد؛ زیرا نیازمند مبالغ زیادی پول است که برای همگان میسر نیست. بنابراین گسترش و تنوع روش‌های مالی موجب جذب سرمایه‌های اندک افراد و ترویج فرهنگ وقف خواهد شد. بنابراین از جمله راههای دستیابی به این هدف طراحی و استفاده از ابزارهای مالی صحیح و کارآمد وقف برای تامین مالی پروژه‌های نوآورانه و فناورانه است.

۱- دانشجوی دکترا رشته مدیریت مالی دانشگاه علامه طباطبائی - پژوهشگر موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی

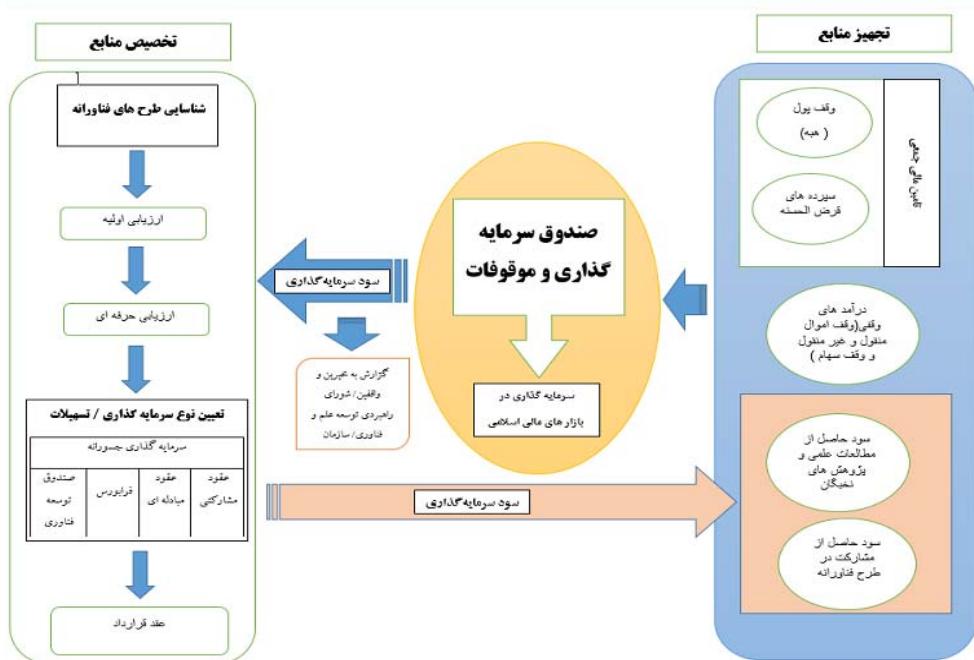
یکی از چالش‌های مهم و اساسی توسعه امور خیریه در کشور، جذب منابع مالی خرد برای انجام امور خیر و مدیریت سرمایه برای ارائه خدمات مناسب به جامعه هدف خود می‌باشد. استفاده از روش‌های مناسب جمع آوری سرمایه‌ها و پس اندازها وسوق دادن آنها به سمت بخش‌های مولد و بهره گیری از روش‌های متنوع سرمایه گذاری با رعایت موازین شرع مقدس می‌تواند موجب افزایش مشارکت خیرین و واقفین در امور خیر و جذب موقوفات و منابع مالی کشور می‌گردد.

در این مقاله بررسی صندوق‌های سرمایه گذاری در امور خیریه در جهان و چالش‌های صندوق‌های نیکوکاری در ایران به همراه روش‌های متداول تامین مالی طرح فناورانه انجام گرفته و الگوی نوین تامین مالی خرد اسلامی با تمرکز بر وقف علم و فناوری ارائه گردیده است که در این الگو به تبیین روش‌های تجهیز منابع مالی برای طرح‌ها از طریق خیرین و واقفین و همچنین بیان روش‌های تخصیص منابع مالی به طرح‌های فناورانه و نوآورانه می‌پردازد و جذب منابع بیشتر با استفاده از تامین مالی جمعی جهت ارتقای مشارکت خیرین و واقفین در کشور را برای دستیابی به منابع پایدار را بیان خواهد کرد.

هدف این مقاله ارائه مدل بومی صندوق‌های سرمایه گذاری موقوفات به عنوان نهاد مالی اسلامی در راستای ارتقای فرهنگ وقف در اقتصاد ایران مبتنی بر روش کتابخانه‌ای است. رویکرد این تحقیق، اکشافی با روش تحلیل توصیفی است و در قلمرو تحقیقات بنیادی به شمار می‌آید. یافته‌های این تحقیق که بر اساس تحلیل‌های نظری بدست آمده‌اند، نشان می‌دهد نهاد مالی مبتنی بر وقف در اقتصاد اسلامی به عنوان منبع مالی پایدار و قابل اتکا در جهت توسعه فعالیت‌های خیرانه در توسعه علم و فناوری می‌باشد. این هدف قطعاً از اهداف اجتماعی نظام تامین مالی اسلامی است.

تحقیق منویات مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی در تاریخ ۹۳/۶/۲۹ مبنی بر افزایش نقش و مشارکت بخش‌های غیردولتی در حوزه علم و فناوری و ارتقا سهم وقف و امور خیریه در این حوزه، با طراحی الگوی نوین تامین مالی طرح‌های فناورانه مبتنی بر قوانین شرع مقدس و نظام مالی کشور و به کارگیری آن کشور انجام خواهد شد. این الگوی تامین مالی اسلامی با تکیه بر منابع وقف و نیکوکاری قصد دارد که جذب منابع مالی از خیرین و واقفین را با روش‌های نوین گسترش داده و سرمایه گذاری مجدد منافع حاصل از فعالیت‌های نیکوکارانه در طرح‌های فناورانه با توجه به نیات خیرین و واقفین با بهره‌گیری از ابزارهای نوین مالی اسلامی که بر مبنای قوانین شرع مقدس انجام می‌شود را توسعه دهد.

چکیده مقالات نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری
۹ اسفندماه ۱۳۹۶



تحلیل راهبردهای ارتقای بهره‌وری و توسعه وقف علم و فناوری در ایران

مرتضی درخشان^۱، مهدی طغیانی^۲

یکی از مهمترین ظرفیت‌هایی که می‌تواند در تامین مالی موارد بخش علم فناوری (که ریسک نسبتاً بالا و بازده بلند مدت دارد) فعال شود، ظرفیت انگیزه‌های داوطلبانه و نوع دوستانه بخش سومی با عنوان وقف علم و فناوری می‌باشد. این پژوهش بر آن است تا علاوه بر بیان ضرورت و اهمیت وقف علم و فناوری، راهبردهای ارتقای بهره‌وری و توسعه این بخش را تحلیل نماید و با بررسی مشکلات اساسی در اجرای هر یک از این راهبردها، راهکاری عملیاتی و اجرایی تدوین نماید. برای این منظور با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای در حوزه وقف علم و فناوری در سایر کشورها و جلسات طوفان فکری، راهبردهای توسعه و راهکارهای اجرایی آن طراحی و تدوین گردیده است. راهبردهای اصلی برای ایجاد این توسعه ۱- تنوع بخشی و اولویت‌بندی وقف علم و فناوری، ۲- فرهنگ‌سازی وقف علم و فناوری، ۳- نهادسازی (چهار نهاد اصلی یعنی ۱- خیریه حمایت از نخبگان و فرهیختگان، سازمان غیر انتفاعی یاوران شهرک‌های علمی و تحقیقاتی، سازمان‌های غیر انتفاعی سرمایه‌گذاری خطرا پذیر و انجمن تطبیق و اولویت‌بندی نیازها و ظرفیت‌ها، ابزارها و قالب‌ها) و ۴- شفاف‌سازی و اطلاع رسانی (با سه مسئله اصلی و چهار راهکار عملیاتی برای حل آنها) به عنوان اصلی ترین راهبردها معرفی شده است، که برای هر یک از این راهبردها، راهکار علمیاتی و اجرایی نیز ارائه خواهد گردید. سازمان‌های متولی وقف و همچنین نهادهای دولتی می‌توانند با برنامه‌ریزی جهت تأمین این راهبردها و نهادسازی‌های پیشنهاد شده، گامی موثر در جهت ارتقای نقش بخش سوم در توسعه علم و فناوری و در نتیجه توسعه اقتصادی بردارند.

۱- دکتری اقتصاد از دانشگاه اصفهان، morteza.derakshan@yahoo.com

۲- دکتری اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، mtoghyani@gmail.com

بررسی مدل‌های تامین مالی پروژه‌های فناورانه و پیشنهاد یک مدل بومی و کاربردی مبتنی بر جمع‌سپاری با رویکرد توسعه وقف جمعی علم و فناوری

محمد رضا کشمیری*^۱، مرتضی لنگری، جعفر زارع، امیر حسام کفаш

تامین مالی طرح‌های نو ظهور یکی از مهمترین و اساسی‌ترین دغدغه‌های شرکت‌های دانش‌بنیان و نوآور جهت دستیابی به اهداف و توسعه کسب و کارشان است. در این راستا از یک طرف تنوع زمینه‌های فعالیت شرکت‌ها و متفاوت بودن مقیاس و حجم منابع مالی مورد نیاز آن‌ها و از طرف دیگر ریسک‌پذیری شرکت‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذار و تأمین کننده مالی، پیچیدگی‌های این موضوع را دو چندان می‌کند. به دست آوردن وجهه موردنیاز برای راه‌اندازی کسب و کارهای نوین، همیشه به عنوان یک چالش برای کارآفرینان مطرح بوده است. در حال حاضر شکاف عمیقی بین دو بخش ایده و تولید ثروت از ایده‌ها در کشور ایجاد شده است.

در این پژوهش تمامی روش‌ها، ابزارها و مدل‌های تامین مالی پروژه‌های فناورانه جهت خلق ثروت از این ایده‌ها، در سطح بین الملل مورد بررسی قرار گرفت و تمامی نقاط قوت و ضعف آنها را شناسایی گردید، در ادامه به بررسی اکوسیستم تامین مالی طرح‌های فناورانه در سطح کشور پرداختیم در ادامه با توجه به مفهوم نظام نوآوری و نقش اساسی نهادهای میانجی در نظمات نوآوری، نهادهای میانجی فعلی در زمینه تبدیل ایده به محصول در کشورمان مورد بررسی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف آنها نیز شناسایی و مورد بررسی عمیق قرار گرفته‌اند.

در نهایت با توجه به مطالعات صورت گرفته و ظهور پدیده‌هایی چون جمع‌سپاری مالی و با توجه به توسعه مفهوم وقف جمعی در سطح سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، و شرایط علمی و عملی حاکم بر توسعه طرح‌های فناورانه در سطح بین الملل و کشور؛ مدل پیشنهادی تامین مالی در قالب ایجاد یک پلتفرم تامین مالی جمعی با رویکرد وقف جمعی علم و فناوری پیشنهاد می‌گردد. این مدل مبتنی بر جمع‌سپاریست و متناسب با ظرفیت‌ها و فرهنگ عموم مردم، کاملاً بومی شده و جنبه کاربردی به خود گرفته است. در این مدل نه تنها از ظرفیت سرمایه‌های خرد مردمی در تامین مالی طرح‌های فناورانه استفاده شده

۱- نویسنده مسئول مقاله: عضو دفتر همکاری‌های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده شمال شرق

بلکه با ارتباطی منطقی، جهت استفاده از ظرفیت‌ها و نقاط قوت سایر میانجی‌های علم و فناوری موجود در کشور (مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری) ایجاد شده است. همچنین در بستر این مدل صنایع پیشرو کشور با بهره مندی از رویکرد نوآوری باز از ظرفیت نخبگان و ایده پردازان، بهره برده و زمینه مناسبی را بر جای اعتماد مشارکت کنندگان در مدل وقف جمعی علم و فناوری را ایجاد می‌نماید و نقش موثری را در تکمیل چرخه ایده تا پذیرده ایفاء می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: جمع سپاری، وقف جمعی علم و فناوری، تامین مالی، توسعه فناوری، طرحهای خلاقانه و نوظهور، شرکت‌های دانش بنیان، میانجی‌ها، نوآوری باز

مدلی ترویجی برای علم، وقف و سلامت استفاده از ظرفیت‌های موجود در حوزه وقف و امور خیریه در حل چالش‌های سلامت روان و آسیب‌های اجتماعی

هادی زرافشان^۱

شیوع اختلالات روانپژشکی و آسیب‌های اجتماعی در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده و منجر به مشکلات عدیده در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی برای جامعه شده است. برای مثال در مطالعه‌ای که در سال‌های اخیر انجام شده است شیوع کلی اختلالات روانپژشکی در جمعیت بالای ۱۵ سال ۲۳,۴۴٪ گزارش شده است. همچنین در مطالعه‌ی دیگری شیوع کلی اختلالات روانپژشکی در جمعیت ۶ تا ۱۸ سال ۱۰,۵۵٪ گزارش شده است.

از میان عوامل مختلف که باعث ایجاد مشکل در حل مشکلات سلامت روان می‌گردد می‌توان به عدم آگاهی نسبت به وجود اختلال، نگرش منفی به اختلالات روانپژشکی، عدم شناسایی به موقع، عدم مراجعه و پیگیری درمان، کمبود نیروی انسانی و هزینه می‌توان اشاره کرد.

استفاده از افراد غیر متخصص آموزش دیده به عنوان راهکاری برای ارائه‌ی آموزش‌های اولیه و تشخیص افراد دارای مشکل و افراد در احتمال خطر در این راستا مورد تاکید قرار گرفته است. استفاده از ظرفیت‌های این افراد باید متناسب با الگوهای فرهنگی و پذیرش اجتماعی هر جامعه باشد. در جامعه‌ی ایرانی با توجه فرهنگ دینی و مقبولیت اجتماعی قشر روحانی، استفاده از این ظرفیت می‌تواند در کاهش آسیب‌های اجتماعی و مشکلات سلامت روان راهگشا باشد. سازمان اوپاف به عنوان یک نهاد فرادستی با توجه به امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری می‌تواند نقش محوری در استفاده از این ظرفیت و مدیریت آن در سطح کشور داشته باشد.

استفاده از ظرفیت‌های تبلیغی روحانیت در معرفی صحیح آسیب‌های اجتماعی و مشکلات سلامت روان می‌تواند باعث شناسایی به موقع و مدیریت صحیح و کاهش پیامدهای اجتماعی این مشکلات شود. نهاد وقف با توجه به ظرفیت‌های مادی و معنوی آن و ابعاد شرعی موضوع، در فرهنگ‌سازی و هدایت منابع

۱- دکترای روان‌شناسی، عضو مرکز تحقیقات روانپژشکی و روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران

چکیده مقالات نخستین همایش ملی وقف و علم و فناوری
۱۳۹۶ اسفندماه ۹

موجود و جهت دهی شبکه خیرین و واقفین نقش موثر و راهبردی می‌تواند داشته باشد. به منظور عملیاتی سازی این ایده، گام اول تهیه محتوای علمی مناسب با توجه به ابعاد فرهنگ دینی جامعه بوده که در فضای دانشگاهی ایجاد شده و در گام دوم نیاز به پیاده سازی توسط قشر روحانیت دارد که سازمان اوقاف از شبکه‌ی مبلغان آن برخوردار است.

اقتضایات ایده‌های دانشگاه در تعیین و تغییر ساختار مناسبات وقف و علم و فناوری

میثم سفیدخوش^۱

دانشگاه به مثابه مهم‌ترین نهاد در برگیرنده و حمایت‌کننده از علم و فناوری در سده‌های اخیر از ایده‌های راهنمای برخوردار شده است. این ایده‌ها، مشروط به خودآگاهی کنشگران دانشگاهی، تعریف دانشگاه، رسالت آن، ساختار نهادی و نظام تعاملات دانشگاه با نهادها و شرایط فرهنگی دیگر را معین می‌کند. در حوزه‌ی نسبت علم و فناوری با میدان کنشی وقف به طور مشخص هرگونه انتظاری از دانشگاه منوط به تعیین خودآگاه ایده‌های از دانشگاه است که از مناسبت مورد بحث حمایت کند. ما اکنون در ایران به تشخض مستقل ایده‌های دانشگاه در هر دانشگاه اقدام نکرده‌ایم و معنای این سخن آن است که در هر دانشگاهی نشانه‌های مهمی از ایده‌های متعدد و حتی متعارض دانشگاه را می‌توانیم نشان دهیم. همین تعدد متعارض ایده‌ها کنش ارتباطی دانشگاه را با میدان کنش وقف به ورطه‌ی سرگردانی خواهد کشاند و اجازه نمی‌دهد کنشی معنادار و پایدار شکل گیرد. ریشه‌ی اصلی این رابطه‌های موقت و سطحی در این است که اقتضایات ایده‌ی دانشگاه جستجوگر حقیقت و ایده‌ی دانشگاه درآمدها و کارآفرین و ایده‌ی خدمتگزاری به اهداف دولت‌ملت و ایده‌های دیگر در این میدان متفاوتند. بخش نخست طرح این نوشتۀ پدیدآوردن خودآگاهی کنشی به این سطح از مسئله‌ی مورد بحث است. بخش دوم تلاش می‌کند به طور موردي نشان دهد که هریک از ایده‌های دانشگاه چگونه مناسبت علم و فناوری با سنت گرانبهای وقف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بر پایه‌ی این دو بخش می‌توان سیاست‌گزاری مناسبات علم و فناوری با دانشگاه را وارد فاز جدید عملی و مؤثری از نظام تصمیم‌گیری و طراحی کرد. من در این مجال با فرض اینکه کنش وقفي اصولاً نوعی ذخیره‌سازی است از مفهوم "موقعیت ذخیره" برای توضیح مناسبت ایده‌ها با کنش وقفي در حوزه‌ی علم و فناوری بهره می‌گیرم. برای کنش وقف، دانشگاه موقعیت ذخیره است ولی ذخیره‌ی چه چیزی؟ و ذخیره در کجا؟ و ذخیره برای چه؟ من برای نمونه در این چکیده دو ایده‌ی دانشگاه را بررسی می‌کنم. در دانشگاه جستجوگر حقیقت دو چیز ذخیره می‌شود: یکی اطلاعات و دانسته‌ها و دیگری آداب فرهیختگی و اخلاقی؛ اولی در دانشنامه‌ها و مقالات ذخیره می‌شود و دومی در رفتار و ذهن آموزش‌پذیران.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

غایت این دانشگاه نیز پرورش شهروند فرهیخته و پاسخ به پرسش‌های بی‌پایان خرد جستجو گر آدمی است. دعوت و افغان به کنش وقفى باید در راستای همین موقعیت‌های سه گانه‌ی ذخیره‌سازی صورت گیرد. هدایت کنش وقفى مناسب برای این ایده بیشتر به‌سوی تأسیس موقعیت‌های آموزشی و آزمایشگاهی، تأسیس موقعیت نشر داده‌ها، بورس‌های متتنوع تحصیلی و پژوهشی و مانند آن است. حتی روانشناسی و فرهنگ فردی واقعی که برای کنش در موقعیت چنین ایده‌ای هدایت می‌شود باید فرهیخته محور باشد. در برابر این ایده، ایده‌ی دانشگاه درآمدزا و کارآفرین بیشتر راه کارهای مبادله را ذخیره می‌کند تا داده‌ها را، و آنها را در موقعیت ارتباطی با صنعت، بازار، بورس و مانند آنها ذخیره می‌کند تا در کتاب‌ها و ذهن افراد، و غایتش رونق کسب و کار است تا یافتن حقایق عالم. کنش وقفى در این شرایط باید از حالت سنتی اش خارج شود و تأسیس موقعیت‌های مبادله بر اساس ارزش‌های کالایی اولویت یابد. جامعه و افراد هدف برای دعوت به این کنش باید تغییر یابند و همچنین "گفتارپردازی" یا رتوریک دعوت به کنش وقفى در این شرایط هم باید تغییر کند. سرانجام التقاط این شرایط خطر اصلی نظام مناسبات کنش وقفى با ایده‌های دانشگاه خواهد بود زیرا موجب سرگردانی کنشگران شده و تعارض‌های مهمی پدید خواهد آورد. این التقاط ناشی از عدم آگاهی نسبت به ایده‌های راهنمای دانشگاه یا عدم گزینش دقیق آنها خواهد بود.

راهکارهای گسترش مشارکت در توسعه دانشگاه‌های ایران

سیدحسین سیدی^۱

مشارکت مردم و خیرین برای توسعه علم در ایران تاریخ پرباری دارد و نمونه‌های بی‌نظیری مانند ربع رشیدی در آن وجود دارد، به طوری که می‌توان گفت از پایه‌های اساسی توسعه تمدن اسلامی موقوفات علمی بوده است. اما با گسترش ساختارهای نوین آموزش عالی و دولتی شدن آموزش، این فرهنگ رو به افول نهاد به طوری که در حال حاضر به غیر از مواردی معده، جریان برنامه‌ریزی شده‌ای در جذب مشارکت خیرین برای گسترش علم و ساختارهای علمی وجود ندارد. هرچند در جریانی کاملاً معکوس در حالی که اروپا و آمریکا از نظر تاریخی جریان قابل توجهی از مشارکت خیرین در توسعه علم ندارند، اما امروزه دانشگاه‌های برتر جهان حجم عظیمی از هزینه‌های خود را بر اساس جذب مشارکت تأمین می‌کنند. در این مقاله بر اساس مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری دانشگاه‌های برتر جهان در جذب منابع، راهکارهای گسترش مشارکت در توسعه دانشگاه‌های ایران بررسی می‌شود.

این راهکارها در شش دسته تغییر ساختار و قانون، فعالیت حرفه‌ای در جذب مشارکت، بهره‌وری و شفافیت، توجه به حل مسئله در دانشگاه و ایجاد منفعت متقابل گروه‌بندی می‌شوند.

- در بحث تغییر ساختار و قانون، تغییر ساختار وزارت علوم و دانشگاه‌ها برای جذب منابع و ارائه مشوق‌های مالیاتی در قانون بررسی می‌شوند.
- در بخش فعالیت حرفه‌ای برای جذب مشارکت، راهکارهای تربیت نیروی انسانی متخصص برای جذب منابع و مدیریت و پذیرش مسئولیت منابع جذب شده، پیشنهاد می‌شود.
- در بحث فرهنگ‌سازی، تغییر نگرش جامعه به مسئولیت اجتماعی فردی و دولت و همچنین گسترش مفهومی و مصداقی عمل خیریه و جذب نیات زودبازده و فرهنگ‌سازی نیت‌های بلندمدت مورد توجه است.
- در بخش بهره‌وری و شفافیت، شفافیت دانشگاه در گزارش عملکرد مالی کل دانشگاه و گزارش عملکرد منابع جذب شده به طور خاص و همچنین گزارش عملکرد علمی دانشگاه و انتشار برای عموم و به طور خاص برای خیرین و با توجه به نیات آن‌ها و همچنین حساسیت در بهره‌وری منابع

۱- دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

مورد بحث قرار می‌گیرد.

- در بخش توجه به حل مسئله، رویکرد دانشگاه در حل مسائل جامعه که می‌توانند مورد نظر خیرین مشارکت کننده قرار گیرند بررسی می‌شود. به عبارتی خیرین می‌توانند به جای مشارکت کلی در توسعه ساختار سخت یا نرم دانشگاه، برای حل مسائل مشخص سرمایه‌گذاری کنند.
- و درنهایت در بخش ایجاد منفعت متقابل، گره زدن اعتبار افراد به دانشگاه محل تحصیل و ایجاد انجمن‌های دانشجویان، خانواده‌های دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، کارمندان و استادی موربد بحث قرار می‌گیرد.

به سوی مدلی جامعه‌شناسی برای سیاستگذاری اجتماعی وقف علمی

احمد شرکچی^۱

مطالعه نهاد وقف و بکارگیری آن از منظر جامعه‌شناسی در سه حوزه جامعه‌شناسی سازمانها، جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی اقتصادی قابل بررسی است. اولاً نهاد وقف اصولاً نهادی دینی است که براساس آموزه‌های دینی و انگیزه‌های اخلاقی و خیرخواهانه شکل می‌گیرد. متولیان این نهاد نیز عمدتاً روحانیون یا نمایندگان معتمد آنان بوده‌اند که اطمینان از مطابقت فعالیت موقوفه‌ها با موازین و قواعد شرعی را فراهم می‌کرده‌اند. ثانياً با توجه به ماهیت داوطلبانه و مشارکتی آن، نحوه شکل‌گیری اعتماد درون سازمانی و برون سازمانی در آن نقش حیاتی دارد. ثالثاً با توجه به تحولات پیش آمده در حوزه اقتصاد مدرن، نهاد وقف نمی‌تواند فارغ از محیط اقتصادی عام هر جامعه فعالیت کند و ارتباطی با آن نداشته باشد. نحوه ارتباط ساختاری میان نهاد وقف و سایر نهادهای اقتصادی و اجتماعی مانند دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی بسیار ضروری است. هر نوع سیاستگذاری برای نهاد وقف لازم است به پرسش‌های مطرح در این سه حوزه پاسخ دهد.

در وقف سنتی، واقف نوعی از دارایی را برای همیشه برای هدفی مشخص وقف می‌کند که امکان هیچ-گونه دسترسی و بهره‌برداری از آن را نخواهد داشت. هر چند این روش همچنان مبنای اصلی وقف است اما کنش‌گران مدرن با گرایش‌های عقلانیت ابزاری و منفعت‌طلبانه در صورتی به مشارکت در چنین فعالیت‌هایی تمایل بیشتری نشان می‌دهند که موازنۀ درونداد و برونداد آن مشخص باشد. تنوع بخشی به منابع درآمدی موقوفه‌ها و کاهش وابستگی آنها به منابع ناپایداری همچون اوراق قرضه و حساب‌های پس-انداز بانکی می‌تواند پویایی و انعطاف‌پذیری موقوفه‌های را بالا ببرد. لازمه چنین تحولی پیوند زدن نهاد وقف با ابزارهای مالی جدید همچون بیمه، بازارهای بورس نوظهور و توسعه یافته، دارایی‌های انرژی محور، استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان و صندوق‌های مالی است که می‌تواند بر کارایی و پایداری آن بیافراید. تجربه‌ای که در موقوفه‌های دانشگاه‌های بزرگ موفقیت خود را نشان داده است. سیاست‌گذاری اجتماعی با برنامه‌هایی عملی برای تنظیم فعالیت‌های جمعی سروکار دارد که هدف اصلیش

۱- استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب است و در یک تقسیم بندی کلی به «کاهش نابرابری‌های اجتماعی» و «افزایش رفاه عمومی» می‌پردازد. برای تبدیل نهاد وقف به نهاد اجتماعی پایدار لازم است ارتباط این نهاد با این دو کارکرد اصلی روشن شود. در زمینه کاهش نابرابری‌های اجتماعی تعریف مشخص وظایف در زمینه کمک هزینه‌های تحصیلی، جبران حقوق‌های زیر خط فقر بویژه برای معلمان، صندوق‌های اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از سیاست گذاری‌های نمونه در این حوزه به شمار می‌رود. در حوزه رفاه عمومی تعریف وظایف شامل گسترش شمول یمه‌های ضروری معلمان، اساتید، دانش‌آموزان و دانشجویان، تجهیز و بازسازی امکانات علمی و آموزشی، بهبود دسترسی به نیازهای اولیه بهداشت، درمان و مسکن است.

نقش موقوفه‌های علمی در سطح ساختاری به مسئله توسعه اجتماعی به معنای عام آن نیز مرتبط می‌شود. این موقوفه‌ها ضرورتاً با سرمایه‌گذاری در طرح‌های تحقیقاتی اجتماع‌محور و تقویت پژوهش‌ها علمی بویژه در حوزه علوم انسانی که دانش‌های هزینه‌بر به شمار می‌روند، می‌توانند جایگزینی مطمئن برای منابع ناکارآمد و نامطمئن دولتی باشند.

این پژوهش در نظر دارد با بررسی تطبیقی نمونه‌های موفق و ناموفق در سه سطح کشکران، سازمان و ساختار اجتماعی، مدل اولیه‌ای از سیاست گذاری اجتماعی در حوزه وقف علمی ارائه نماید.

راهبرد همسویی وقف و مالکیت فکری در پژوهش‌های مهندسی و فناوری پویا

محمد صافی^۱

کارهای پژوهشی و نوآوری‌ها در فناوری‌های مهندسی از جمله موارد مطرح در مبحث مالکیت فکری و معنوی است. پیشرفت‌های فنی و مهندسی عموماً از این نوع پژوهش‌ها و اختراقات و نوآوری‌ها حاصل می‌گردد. دستاوردهای حاصل از این پیشرفت‌ها در صنعت و مهندسی اغلب بسیار قابل توجه و تعیین کننده است. ماهیت این پژوهش‌ها و فناوری‌ها نوعاً به صورت پویا و تکمیل شونده است و در مسائل مهندسی و فنی با بررسی بازخوردهای تجربی و آزمایشگاهی و مشاهداتی، متنج به فناوری‌های کامل تر و پیشرفته تر می‌شوند.

بر اساس آیات و روایات وقف به عنوان یک صدقه جاریه با حبس اصل موضوع مورد وقف و جاری نمودن منافع آن حاصل می‌گردد. بدین ترتیب در وقف مالکیت‌های فکری حاصل از پژوهش‌های کاربردی و مهندسی که اصل موضوع در حال تغیر و تکمیل است انجام وقف شکل یا تعریف خاصی پیدا می‌کند به نحوی که با تغییر و تکمیل اصل موضوع وقف و البته منافع آن هم تغییر می‌یابد. در این حالات به نظر می‌رسد شرایط وقف با این تغییرات باید تفاوت پیدا کند. به عبارتی یا وقف با تغییر اصل موضوع زایل می‌شود یا نوع دیگری از وقف با تداوم آن به صورت پویا باید حاکم گردد. در صورت عدم استمرار وقف در این حالات بخشی از منافع به صورت وقف و بخشی در مالکیت مالک پژوهش است که این شرایط تفکیک منافع را نیز بسیار دشوار می‌سازد. در این جا هدف تبیین چارچوبی است که بتواند وقف را در این شرایط استمرار بخشد. یکی از روش‌ها در این خصوص برقراری و تجدید وقف به طور مکرر در مقاطع تغییر و تکمیل دستاوردهای پژوهشی است که البته شفاف نمودن این مساله کار چندان آسانی نیست. روش دیگر جاری نمودن نوعی خاص از وقف بالحظ سیر تکاملی موضوع است که البته این روش از نظر فقهی جای بحث و بررسی دارد. روش سوم در این خصوص وقف موضوع کلی به طوری که فرآیند تکمیل و تغییر آن در آینده را نیز در بر بگیرد. هدف این مقاله بحث و بررسی این موضوع و تلاش جهت یافتن روش مناسب وقف مالکیت فکری در این زمینه می‌باشد.

۱- عضو هیات علمی دانشکده عمران، آب و محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی m_safi@sbu.ac.ir

وقف: میراثی از گذشته، سرمایه‌ای برای آینده: چالش‌های سیاست‌گذاری پژوهشی در برقراری ربط وقف و علم و فناوری در کشور

زهیر صیامیان گرجی^۱

جایگاه وقف در تحولات جامعه امروز نشان از اهمیت این سنت دینی در ارکان هویتی جامعه ایران است تا بدانجا که می‌توان ادعا کرد نظام اوقاف در جامعه ایران اسلامی در قرون متعدد حافظ بقای تمدن و فرهنگ اسلامی ایرانی در تمامی ابعاد آن بوده است. وقف از محدود سنت‌های جامعه اسلامی است که با ویژگی‌های معنوی و حقوقی خاصی، امکان‌های مختلفی از لحاظ شکل و محتوا را برای تجلی ماندگار و دوام پایدار حیات معنوی به شکل گسترده در مناسبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی و حتی سیاسی جامعه ایران اسلامی پدید آورد است. این سنت با اینکه در تاریخ این سرزمین و فرهنگ ریشه دارد، اما اکنون جامعه و مهم تر از آن، آینده جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بر شکل گیری آن نقش-آفرینی می‌کند. بنابراین چگونگی فهم آن در قالب شرعی و حقوقی اش در فقه شیعی، نوع درکی که از شیوه و ماهیت مدیریت آن در نظام متولی مدیریت اوقاف در دوره‌های مختلف وجود داشته است، بر روند معاصر و آینده جامعه ایران در هر دوران تاثیر مستقیم گذاشته است. اکنون که در نظام جمهوری اسلامی، منطق اجتهاد پویای شیعی در نهادهای مختلف قانونی نظام حاکم است و در نتیجه نسبت بین اصول فقه شیعه و مسائل متحده به شکلی برقرار است که در راستای تحقق اهداف شارع برای سعادت جامعه و مصلحت نظام و جامعه اسلامی قرار گیرد، فرستی دست داده است که موضوع وقف فراتر از رویه‌های معمول پیش از این دوران مورد تأمل و بررسی قرار گیرد.

ابلاغ مصوبه «سیاست‌ها و ضوابط ارتقاء مشارکت خیرین و واقفین در پیشرفت حوزه علم و فناوری» از طرف دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی که به عنوان سندی بالادستی برای همه سازمان‌ها و نهادها تکالیف قانونی ایجاد می‌کند. بنابراین بایستی بررسی کرد چالش‌های ادراکی و سازمانی تحقق این برنامه‌ها و ایده‌ها در رابطه باسته بین وقف و علم و فناوری چیست؟ در عین حال که با درک اهمیت علم و فناوری به عنوان قوه محركه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در جامعه و حکومت جمهوری اسلامی ایران در عرصه رقابت جهانی ایدئولوژی‌ها و انواع حکمرانی‌ها، قرار گرفتن آن در کنار وقف و امور خیریه به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان هویت تاریخی جامعه ایران اسلامی در تمامی ابعادش، این گفتمان را ترویج کرد که

۱- هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، معاون پژوهشی مرکز تحقیقات و توسعه وقف دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی

نهادهای متولی علم و وقف چگونه می‌توانند این همگرایی و اهمیت متفاوت در مقایسه با گذشته در نظام قانون گذاری حوزه وقف و علم و فناوری برای جامعه مخاطب مشتاق به علم و خیر و سعادت پایدار، این رابطه را به شیوه‌ای نوین معنادار سازند و این مساله مهم می‌شود که چنین فرستاد قانونی را بر مبنای کدام مدل اقتصادسازی در حوزه فرهنگ، به شکلی جدید و متفاوت از مدل‌های تبلیغی پیشین برای جامعه دانشگاهی و علمی، متولیان نهادهای حاکمیتی مرتبط در سازمان اوقاف و دیگر نهادها و جامعه خیّرین و واقفین ارائه کنند تا امکان‌های مستتر در سنت وقف، به شکل‌های نوآورانه و کاربردی با کمک به علم و فناوری، دانش را برای حل مسائل جامعه به یاری گیرد.

تحقیق چنین هدفی به عنوان مطالبه نظام و مردم از جامعه دانشگاهی و نهادهای حاکمیتی، نیازمند برنامه‌ریزی، سرعت عمل و چاپکی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مرور تجربه‌های گذشته و تجربه‌های موازی در دیگر کشورها در حوزه مقارنه امور خیریه و علم و فناوری برای حل مسائل کشور است. گفتگوی کارشناسی بین مخاطبان این قانون یعنی جامعه علمی و جامعه اوقافی برای آشنای نزدیک هرچه بیشتر با رویه‌ها و مسائل و قابلیت‌های فعلی، ترسیم وضعیت مطلوب از رویه‌های تحقق اهداف و برنامه‌های این قانون و بکارگیری ظرفیت‌های قانونی فعلی و یا امکان‌پذیر برای تدوین نقشه راه و برنامه عملیاتی در نهادهای مرتبط در جهت استخراج راهکارهای لازم برای اقدام عملی و ملموس و جدی در جهت تحقق اهداف این قانون نیاز مبرم دوران کمبود منابع و زودگذر بودن فرستاده است. چنین وضعیت پیچیده و بغرنجی در کنار اندوخته ذاتی امر معنوی و سرمایه مادی به مثابه داشته و آورده بالقوه در مفهوم و نهادهای علم و فناوری و وقف و امور خیریه، همیاری نهادهای مرتبط برای ایجاد اجماع علمی و کارشناسی بین جامعه دانشگاهی و نهادهای کشوری و نهادهای دولتی و غیردولتی حوزه وقف و امور خیریه را ضروری می‌سازد تا در استفاده از ظرفیت‌های نهفته در علم و فناوری و وقف به عنوان راهی جدید در مسیر پیشرفت جامعه اسلامی ایران تسریع و تسهیل شود. این امر آنگاه ممکن است که متولیان امور برای قدمی به پیش-گذاشتن، با نگره توسعه به مقارنه علم و فناوری و وقف و امور خیریه بنگردند. در سایه چنین مناسبت و مقارنه‌ای با درکی توسعه گرایانه، ابهام زدایی و همانندی‌های کارشناسانه بین نهادی وقف و علم و فناوری و دیگر ذی نفعان کشوری و جامعه می‌تواند تبدیل به آغاز جدیدی از تعامل عالمانه حوزه وقف و علم و فناوری و حمایت و کاربرد متقابل گردد تا با ایجاد شبکه‌های وقف علم و فناوری بتواند زمینه‌ای فرهنگی و اجتماعی برای تحقق اهداف و برنامه‌های نوین در حوزه قانون گذاری و بهره‌وری از علم و وقف پدید آورد. نگاه به وقف به عنوان میراثی از گذشته، سرمایه ای برای آینده می‌تواند این امکان را برای کنشگران موثر این حوزه ایجاد کند که چالش‌های سیاست گذاری پژوهشی در برقراری ربط وقف و علم و فناوری در کشور را بررسی و با سیاست گذاری مطلوب اجتماعی و فرهنگی برطرف سازند.

ضرورت ایجاد ساختارهای آموزشی و پژوهشی در حوزه امور خیر

محمد صالح طیب نیا^۱، سید حسین سیدی^۲

فعالیت‌های خیرخواهانه و داوطلبانه در ایران ریشه عمیقی در فرهنگ و دین دارد. به ویژه با ورود اسلام و تأکید آن بر فعالیت‌های خیرخواهانه چه به صورت احکام واجب مانند خمس و زکات و چه مدل‌های مستحب مانند وقف و صدقه و اتفاق به معنای عام آن‌ها و همچنین سیره ائمه معصوم علیهم السلام در مشارکت مستقیم برای خدمت‌رسانی به محرومین این فعالیت‌ها به جزئی از شاخصه‌های فرهنگی ایرانیان تبدیل شده است.

این فعالیت‌های خیرخواهانه در دوره‌های تاریخی متفاوت مصادیق و نیات غالی داشته است. هرچند در کنار این مصادیق غالب نوع قابل توجهی از نیات مختلف و توجه به مسائل و آسیب‌های گریبان‌گیر آن دوره را مشاهده می‌کنیم. یکی از مصادیق مهم وقف در تاریخ اسلامی ایران، وقف برای گسترش علم بوده است به طوری که تاریخ‌دانان یکی از پایه‌های ایجاد و توسعه تمدن اسلامی را موقوفات علمی می‌دانند. اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که ساختار جامعه در گذشته ساده‌تر بوده است و مسائل اجتماعی در هم تنیدگی و پیچیدگی جوامع مدرن و پیشرفته امروز را نداشته‌اند و افراد دغدغه‌مند راحت‌تر به شناخت از مسائل مورد نیاز جامعه می‌رسیدند.

با توجه به این مقدمه، در مواجهه با امور خیر و نیکوکاری ما با پدیده‌ای مواجه هستیم که تاریخی طولانی دارد، جزئی از فرهنگ جامعه و فرهنگ دینی و محل تأثیرگذاری‌های اجتماعی بزرگی است. از سوی دیگر بخشی از اقتصاد جامعه بر اساس اقتصاد هدیه و امور خیر و نیکوکاری قوام یافته است. حال سؤالاتی از این قبیل پیش می‌آید که آیا تاریخ امور خیر و نیکوکاری در ایران واکاوی شده است؟ راهکارهای گسترش این فرهنگ چیست؟ اولویت‌دارترین مسائل و مصادیق در شرایط امروز چیست؟ بهره‌وری موقوفات و پرداخت‌ها خیریه چگونه است؟ شاخصه‌ها و لازمه‌های مدیریت یک خیریه چیست؟ و ده‌ها سوال دیگر که می‌توان به این سوالات افزود.

۱- استادیار دانشکده اهل بیت -علیهم السلام- دانشگاه اصفهان
۲- دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

پاسخ به این قبیل سؤالات نیاز به پژوهش‌های تخصصی در حوزه سازمان‌های بخش سوم دارد، حوزه‌ای که به‌ندرت مورد پژوهش پژوهشگران قرار گرفته است. به عبارتی ما با حوزه‌ای در گیر هستیم که از یک سو تأثیرات مهم و عمیقی در بخش‌های مختلف علمی دارد و از سوی دیگر فقر علمی و پژوهشی در آن آشکار است.

همچنین با تغییر ساختار در حاکمیت و ایجاد سازمان‌های نوین، فعالیت‌های امور خیر و نیکوکاری سازمانی شده و مؤسسه‌ای خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد تشکیل شدند. مدیریت و اداره این سازمان‌ها به عنوان سازمان‌های بخش سوم با سازمان‌های خصوصی و دولتی متفاوت است، در صورتی که هیچ آموزش تخصصی برای تربیت نیروهای انسانی متخصص در این حوزه در ایران وجود ندارد و این حوزه توسط تجربه‌های شخصی افراد در فعالیت خیریه اداره می‌شود.

مجموعه این دغدغه‌ها نیاز به ایجاد ساختارهای علمی و پژوهشی در این حوزه را آشکار می‌سازد. به عبارتی امور خیر و نیکوکاری مسئله‌ای میان‌رشته‌ای است که نیازمند تخصص‌های مختلف برای بررسی از جوانب مختلف است. این امر نیاز به ایجاد ساختارهای رسمی علمی و آموزشی در این حوزه دارد چنان‌که در کشورهای توسعه یافته این ساختارهای علمی تخصصی متوجه کردن بخش سوم وجود دارد. از این‌رو تشكیل نهاد آموزشی و پژوهشی با مأموریت‌های زیر می‌تواند کار کرد تأثیرگذاری در این حوزه داشته باشد:

- پژوهشکده مطالعات امور خیر با مأموریت بررسی تخصصی مسائل مرتبط با حوزه خیر و نیکوکاری به معنای عام که مدل‌های اسلامی از جمله وقف در ذیل آن تعریف می‌شود.
- رشته‌های تخصصی کارشناسی برای تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه اداره سازمان‌های مردم‌نهاد مانند مدیریت سازمان‌های مردم‌نهاد، مدیریت داوطلبان، مدیریت و جذب مشارکت‌های مالی و اقتصاد وقف و امور خیریه.
- رشته‌های تخصصی تحصیلات تکمیلی برای تربیت پژوهشگران حوزه امور خیر و نیکوکاری
- نشریه علمی پژوهشی در حوزه مطالعات خیریه
- برگزاری همایش‌های علمی برای با هدف شناسایی پژوهشگران فعال در این حوزه و معرفی فعالیت‌های علمی برای جامعه علمی

جایگاه وقف برای علوم انسانی در توسعه علمی و فناوری

جواد عباسی^۱

در کشور ما معمولاً و البته گمراهنۀ هر گاه سخن از «علم و فناوری» و توسعه و پیشرفت در این زمینه به میان می‌آید نگاه‌ها اغلب به سمت علوم تجربی و فنی متوجه می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های دولتی و غیردولتی نیز بیشتر در همین زمینه‌ها متمرکز هستند. با این حال هنگامی که به چالش‌ها و مشکلات موجود در حوزه علم و فناوری پرداخته می‌شود مسائلی چون «ضعف سیاستگذاری»، «نوع نگرش به کار و توسعه»، «وضع انگیزشی نیروی انسانی»، «سطح نامناسب تعهد کاری و مسئولیت‌پذیری»، «مهاجرت نخبگان» و از این قبیل جلب توجه می‌کنند. روشن است که رویارویی با این مسائل و کوشش برای رفع آنها نه با تمرکز و سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی علوم و فنون به معنای مصطلح آن، بلکه با پرداختن به مبانی و زیرساخت‌هایی ممکن می‌شود که می‌باید ردپای آنها را در حوزه «علوم انسانی» جست‌وجو کرد. برآوردن نیازهایی چون احساس هویت فردی و ملی، ایجاد سطح بالایی از وجودان کاری و مسئولیت‌پذیری شغلی و اجتماعی، نگرش بلندمدت و استراتژیک به مسائل و برنامه‌ها و در یک کلام «سیاست‌گذاری درست علمی و فناورانه» و «افزایش کیفیت نیروی انسانی» فعال در حوزه علم و فناوری تنها با تقویت سرمایه‌گذاری و کار علمی در حوزه‌های علوم انسانی و قرار دادن دستاوردهای آنها در کنار تکاپوهای علمی تجربی و فناورانه ممکن می‌شود. در واقع این علوم انسانی هستند که جهت‌گیری و طریقه بهره‌گیری از دستاوردهای سایر علوم و فناوری‌ها را تعیین می‌کنند. یکی از چالش‌های کنونی کشور در حوزه‌های مختلف و از جمله توسعه پایدار در حوزه علم و فناوری عدم توجه کافی به این علوم به عنوان مبنایی برای «سیاستگذاری» است. تأمل در تجربیات موفق جهانی و حتی آنچه که «کنترل و مدیریت» علم و فناوری خوانده می‌شود نیز چیزی جز این را نشان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد مسائلی چون «زمان‌بر بودن»، «ناملموس بودن» و در مواردی «کاربردی نبودن» مطالعات و پژوهش‌های حوزه علوم انسانی در عمل موجب کم‌توجهی به این عرصه در ایران شده است. پیامد این وضع نیز عدم پیشرفت متوازن و پایدار در زمینه‌های مختلف و از جمله حوزه علم و فناوری بوده است. بر اساس چنین فرضی اکنون که سخن از جلب مشارکت مردمی (از جمله در

۱- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

قالب وقف و خیریه) در میان است، شایسته است پرداختن به مطالعات حوزه علوم انسانی، البته با رویکردی

«مسئله محور» و «کاربردی» به عنوان ضرورتی اساسی مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، سیاستگذاری علمی، توسعه پایدار، نیروی انسانی، کارآمدی

ضرورت وقف علم و فناوری در تحقق شهر خلاق

محمد فرزاد^۱

در سال‌های اخیر مفهوم شهر خلاق در میان برنامه ریزان شهری رواج پیدا کرده و می‌رود تا جزو اصلی برنامه‌های هر شهر در سال‌های آتی شود. امروزه چارچوبی برای توضیح علت برتری برخی مناطق و شهرها تدوین شده است که بر مبنای اهمیت خلاقیت و حضور قشری از مردم به نام طبقه‌ی خلاق استوار است. از دهه هشتاد میلادی توسعه فرهنگ محلی، به مهمترین بخش از دستور کار شهرها و مناطق کشورهای توسعه یافته دنیا تبدیل شد و همین موضوع زمینه و بستر بروز مفهوم «شهر خلاق» را پدید آورد. فضای زندگی، میدانی ذهنی و روانشناختی است که همه اتفاقهای زندگی فرد در گذشته و حال و آینده را در بر گرفته و رفتار او را در وضعیتهای متفاوت تعیین می‌کند. از این رو دو فرد حتی در یک محیط عینی یکسان ممکن است رفتارهای متفاوتی داشته باشند، چراکه محیط روانی و ذهنی آنها متفاوت است. جغرافیای اقتصادی افراد مستعد یا تلت در این راستا از سوی دولتها و نیروهای اقتصادی - اجتماعی تغییراتی داشته است. تلت با شاخص تنوع ارتباط پیدا می‌کند و بر این موضوع تاکید دارد که استعدادها به مکان‌هایی جذب می‌شوند که موانع کمی برای ورود و رشد سرمایه‌های انسانی وجود دارد. امکانات فرهنگی، تفریحی و اقلیم با وجود اینکه برای رشد شهر مهم می‌باشند. علاوه بر این تلت قویاً با موقعیت صنایع تکنولوژیک نیز در ارتباط است. فناوری یا تکنولوژی ضلع دوم شهر خلاق بوده که همواره در حال رشد و تغییر است. بسیاری فقط می‌خواهند بدانند که آیا امکانات خاصی در اطراف به معنای علامتی از سرزندگی منطقه وجود دارد یا خیر؟ در حالی که شخصاً ممکن بود از آن امکانات استفاده هم نمایند. اما امکاناتی که مطلوب جامعه‌ی خلاق هستند متفاوت با امکانات سنتی (امکانات موردنیاز اقتصاد صنعتی) است. اقتصاد صنعتی معمولاً تمرکزش بر امکانات فرهنگی (مانند سمفونی، اپرا، تئاتر، سینما و ...) و مواردی مانند رستوران‌های زنجیره‌ای در سطح ملی، مراکز تفریح شبانه (Spots Night)، فضاهای ورزشی است. شواهد رو به افزایشی وجود دارند که نشان می‌دهند با وجود اینکه امکانات هنوز مهم هستند اما کم‌کم جای خود را به فعالیت‌های غیررسمی تر، باز، همه‌شمول و مشارکتی می‌دهند. دیده می‌شود که

۱- عضو بنیاد شهید فهمیده صنایع دفاعی

پای مشارکت که به میان می آید، وقف گزینه‌ی طلایی خواهد بود. تلت هایی به نام واقفین علم و فناوری، فرشته‌های آسمانی هستند که رشد فناوری و نوآوری را شتاب خواهند بخشید. رشد علم و فناوری در سایه‌ی خلاقیت، و بستر شهر خلاق میسر بوده و در این بین وجود مفهوم وقف علم و فناوری خود نمایی می کند. یکی از منابع گسترش و پیشرفت حوزه‌ی علم و فناوری مشارکت مردم است که در برخی کشورها بسیار رواج دارد. به عبارت دیگر در بعضی از کشورها، مشارکت و سرمایه‌گذاری مردم در حوزه‌ی علم و فناوری، به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده است، به گونه‌ای که در بعضی از حوزه‌های علمی و فناوری، دولت‌ها برای تأمین بودجه این حوزه دغدغه‌ای ندارند. شهر خلاق، یک خیال است؛ توهم نیست؛ یک آرمان است. وقف پررنگ ترین جلوه‌ی مشارکت مردمی است. قشر خلاق که بازیگران اصلی شهر خلاق هستند، شاید خود شخصاً وقف نباشند، اما در شناسایی، جذب و هدایت قشر واقف بسیار موثر خواهند بود. افراد خلاق در محیط فناورانه و نوآورانه معمولاً دارای زمینه‌های قومیتی و نژادی مختلفی هستند و مکان‌هایی را ترجیح می‌دهند که این تنوع را بازتاباند. امکانات اقتصادی خلاق (امکانات فضای باز و امکانات مربوط به سبک زندگی) به خودی خود دارای اهمیت نمی باشند؛ بلکه علائم و شواهدی از یک محیط متنوع، حمایت کننده، همساز با جوانان و جوان پسند ارائه می‌دهند. در این مقاله سعی می‌شود ضرورت وقف علم و فناوری در تحقق شهر خلاق با رویکرد منطقه‌ای بررسی شده و در نهایت جایگاه آن در رسیدن به یک آرمانشهر خلاق تبیین گردد.

توسعه قلمرو حقوقی نهاد وقف

کیان فولادی^۱

مروری بر مجموعه قوانین مدون ایران و نظرات مشهور فقهای امامیه، به روشنی بیان می‌دارد که نهاد مقدس وقف در مرحله ایجاد و تدوین حقوقی- فقهی، مقید و محدود به شروطی شده که این شروط و قیود دو چیز متناسب و مهیای اقتضایات پیشینه قانونی و فقهی بوده‌اند، لیکن با تغییرات غیرقابل انکاری که در ماهیت اموال و فضای اقتصادی جامعه امروز ایران پیدا شده همخوانی ندارد. گسترش طبقه متوسط اقتصادی که دسترسی چندانی به اعیان در مجموعه اموال خود ندارد و نیز هراس این طبقه از تلاطمات و حوادث اقتصادی آینده سبب می‌گردد تا این طبقه اجتماعی امکان «جداسازی مالکیت معینی قابل ملاحظه، با قید تائید» از اموال خود و در نتیجه ورود به قلمروی نهاد وقف را از کف بدنه و تمایل اندکی به انجام وقف از خود نشان دهند. ضمن اینکه تحول ماهیت اموال باعث گردیده تا مصادیق جدیدی از اموال در کیسه دارایی این طبقه اجتماعی و دیگر اشخاص وارد شوند که ارزش غیرقابل انکاری دارند ولیکن به دلیل عدم صدق عنوان «عین» بر ایشان، امکان ورود به قلمرو وقف را از سوی مالکین ندارند. این در حالی است که در نظام حقوقی کشور فرانسه و انگلستان دو نهاد «fondasiون» و «تراست» ماهیت‌های حقوقی هستند که تشابهات فراوانی با نهاد وقف و هدف از وضع این نهاد دارند در حالیکه هیچ قید محدود‌کننده ای در این دو نهاد برای پذیرش اموال به عنوان «مال موقوفه» دیده نمی‌شود. علاوه بر اینکه در حقوق فرانسه و با بهره گیری از ابزار حقوقی «fondasiون» اشخاصی که تمایل به اختصاص اموال خود به امور خیریه و منافع عمومی دارند، می‌توانند از خود شخص حقوقی استفاده کرده و با ایجاد و تأسیس یک شخص حقوقی (با نظارت شدید دولت در معافیت قواعد حقوقی)، امکان ورود موضوع مالی به دارایی این شخص حقوقی را که همین مقصود ایجاد شده و می‌تواند برای مدتی بسیار طولانی دوام و بقا داشته ایجاد کنند. از دیگر سو در قوانین مدون ایران و نظرات فقهاء مشهور و اقلیت) دلیل متعدد و نظرات قابل ملاحظه‌ای، قابل ردیابی و دستیابی هستند که اثبات می‌کنند اموال جدیدی نظیر پول رایج سهام شرکت‌های تجاری، اوراق مشارکتی بانکی، و نیز اموال فکری (حقوقی مالی ناشی از مالکیت‌های معنوی)

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران

می توانند با عبور از شرط عینیت مال موقوفه در قانون و نظر مشهور فقهاء، با حفظ مقصود و احترام این شرط، در قلمروی وقف داده شده به عنوان مال موقوفه، مورد نظر واقفین با هر درجه از توان مالی و با هر گونه مالی در اختیار قرار گیرند. همچنین در گامی نوین و نگرشی نوبه مفهوم وقف، «شخص حقوقی» نظیر آنچه در حقوق فرانسه مورد پذیرش در نهاد فونداسیون قرار گرفته، می تواند به عنوان «موقوفه» مورد بهره گیری حقوقی واقع شود، در این شیوه واقف اقدام به ایجاد اولیه یک شخص حقوقی به عنوان موقوفه می نماید. شخص حقوقی که دارای اصل و اساس پایداری است که می توان از منافع آن در جهت نیات واقف سود جست. به این ترتیب نه تنها هر مالی توان ورود به دارایی شخص حقوقی که به صورت موقوفه ایجاد شده را دارد بلکه اموال در اختیار این نوع موقوفه قابلیت تبدیل استبدال و ایجاد گردش مالی و افزودن بر ارزش خود را نیز پیدا خواهد کرد و از این طریق نگرانی دائمی در خصوص رکود و استهلاک مال موقوفه نیز از میان بر خواهد خواست.

بکارگیری مدل وقف مشارکتی با رویکرد احیا و تامین منابع آبی کشور

ملیحه قلی بیگی^۱

مقدمه

مشکل کم آبی و خشکسالی، اضطرابی دیرینه است که همواره در تاریخ این زاد و بوم نیمه خشک ردهای پررنگی از خود به جا گذاشته است. بسیاری از کارشناسان بر این باورند بدون مشارکت‌های مردمی برای حفظ منابع آبی، عبور از بحران کم آبی ناممکن خواهد بود. وقف منابع آبی بیشتر با اهداف خیرخواهانه و از دیدگاهی خداپسندانه انجام می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان مشاهده کرد وقف منابع آبی علاوه بر اینکه سبب رونق اقتصادی به خصوص در بخش کشاورزی می‌شود، در موقع کم آبی حکم عنصری حیاتی را ایفا می‌کند و عامل تنظیم‌کننده روابط اجتماعی است و امروز در بخش حفاظت و احیای منابع آبی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد.

وقف مشارکتی

وقف از مهمترین و بهترین اعمال خیرخواهانه است و افراد بسیاری علاقه مند به حضور در این عرصه هستند، اما ممکن است به دلیل عدم برخورداری از توان مالی نتوانند به صورت فردی اقدام کنند، از این رو، سازمان اوقاف و امور خیریه مسیری را با عنوان وقف مشارکتی طراحی کرده است تا همگان امکان مشارکت در این سنت حسنی را بیابند. اصلاح شرایط اقتصادی امروز جامعه از طریق وقف و سهیم کردن دیگران در آنچه که در اختیار داریم، میسر می‌شود. وجود موسسات مشارکتی، نمونه‌ای مناسب است برای این مهم که در کنار اموال، بخشی از خدمات خود را نیز وقف امور عام المنفعه کنند.

وقف مشارکتی زمینه‌ای را به وجود می‌آورد که اقشار متوسط جامعه نیز بتوانند جزو واقفان قرار گیرند. یکی از ویژگی‌های مهم وقف مشارکتی، گسترش فرهنگ وقف به تمامی سطوح درآمدی جامعه است.

افراد با هر سطح درآمدی می‌توانند در کار نیک مشارکت داشته باشند و صرفاً منابع مالی زیاد ملاکی برای کمک رسانی نیست.

مدل وقف مشارکتی در حوزه تامین منابع آبی کشور

شناخت نیازهای جامعه یکی از اصلی ترین راهبردها در نهادینه سازی وقف مشارکتی است چراکه تا این نیازها شناسایی و احصاء نشود نمی‌توان مردم را به سمت رفع آنها از طریق سنت حسن وقف هدایت کرد.

از کل مساحت ایران تنها ۱۵ درصد برخوردار از پوشش گیاهی است و بیش از ۸۵ درصد کشور ما جزو مناطق خشک و نیمه خشک محسوب می‌شود؛ از این رو انتظار بروز بحران آب در کشور غیر منطقی نیست راه حل هر بحرانی نیاز به یک سری از راهکارها و برنامه ریزی‌های دقیق است؛ این راه حل‌ها عبارتنداز: مجموعه‌ی عملیاتی که به وسیله‌ی سازمان‌های دولتی، خصوصی و مردمی در رویارویی با بحران با هدف تقلیل خسارت و ضایعات، عادی سازی شرایط و بازگرداندن به حالت پیش از بحران صورت می‌گیرد.. لذا لازم است مسوولان دولتی، تشکل‌های مردم نهاد و رسانه‌های مختلف، برنامه‌هایی را تدوین کنند که میزان مصرف آب جامعه را به سمت متعدل هدایت کند. یکی از توانمند ترین سازوکارهای موجود که می‌تواند تاثیر بسزایی در تغییر مشکلات آبی کشور گردد استفاده از ظرفیت وقف و به خصوص وقف مشارکتی است.

با ایجاد انجمن یاوران وقف در موضوع مد نظرمان می‌توانیم قدم‌های مهم و مؤثری در حوزه وقف برداریم و فردی که دغدغه وقف مثلاً در حوزه آب دارد یک انجمن یاوران وقف در این موضوع با سازوکاری که اداره کل اوقاف تعیین می‌کند، تشکیل می‌دهد و سپس یا خود وقفی انجام می‌دهد و یا به سراغ افرادی می‌رود که ظرفیت وقف کردن را دارند. انجمن یاوران وقف می‌تواند به سمت وقف مشارکتی در موضوع مد نظر برود و دسته قبض‌هایی را صادر و بین مردم تقسیم کند و پول حاصله از آن را در راستای اجرای نیات واقfan که دغدغه خودشان نیز هست، هزینه کند.

استفاده از مدل وقف مشارکتی در حوزه آب سابقه زیادی داشته، بنگاه مستقل خیریه آبلوله بیرجند، اولین سازمان آبرسانی در ایران است که در سال ۱۳۰۲ خورشیدی به منظور تامین آب قابل شرب مردم شهر بیرجند، توسط ۳۰ تن از خیرین این شهر و با کمک محمد ابراهیم خان علم تاسیس گردید. فعالیت این سازمان خیریه باعث گردید تا شهر بیرجند به عنوان دومین شهر در ایران از لوله کشی آب شهری برخوردار گردد.

لذا استفاده از ظرفیت‌های دیگر نهادهای تاثیر گذار از جمله سازمان بسیج در تمامی ابعاد آن در حوزه‌های ترویج و فرهنگ سازی، توسعه دانش و مدیریت جریان مالی می‌تواند تاثیر به سزایی در گسترش و هم افزایی مردمی این موضوع گردد و با توجه به رویکردهای جدید به وجود آمده در حوزه وقف از جانب سازمان اوقاف و امور خیریه کشور در ایجاد ساز و کارهای وقف مشارکتی و خرد در حمایت از موضوعات مختلف از سویی و همچنین اهمیت روز افزون موضوع کمبود منابع آبی کشور در حوزه شرب و کشاورزی ایجاد ساز و کار وقف مشارکتی در بخش آب و احیا این سنت حسنی ضروری می‌نماید. اگر زمانی حکام زمانه عزاداری سید الشهداء(ع) را تعطیل کردند و این اتفاق موجب شد مردم با وقف در این زمینه نگذارند علم عزاداری بر زمین بماند امروز نیز واقعیان باید به نیازهای جامعه از جمله نیاز مردم به آب توجه کند.

وقف و امور خیریه در نهاد علم و فناوری ایران معاصر: ارایه رهیافتی نظری، مطالعه چالش‌های وضع موجود و پیشنهاد یک مدل آینده نگر

کاظم کاظمی^۱

نهاد علم و فناوری نوین در ایران سابقه‌ای نزدیک به یک قرن دارد. بنیانگذاری، تاسیس، مدیریت، سیاست گزاری، بسط و توسعه این نهاد به استثناء اندکی از موارد، عمدتاً محصول اراده و کنش حوزه حاکمیت سیاسی و نهاد دولت بوده است. طرح بحث ورود جریان‌های تاسیسی و یا مدیریتی خیریه یا موقوفه به درون نهاد علم و فناوری، امری نو و قابل تأمل است. مواردی همچون دانشگاه کرمان که توسط یک بانی خیر، مرحوم علیرضا افضلی پور، در دهه ۵۰ شمسی تاسیس شد، قابلیت مطالعه و بررسی به عنوان یک نمونه خاص را دارد.

هدف اصلی این پژوهش در دو محور اساسی پی‌گرفته می‌شود: نخست هدف ارایه رهیافتی نظری جهت تبیین عام کنش‌های خیریه و موقوفه بر اساس نظریه سرمایه پیر بوردیو است. بوردیو چهار نوع سرمایه نمادین، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در قالب الگوی میدان معرفی می‌کند. در این پژوهش تلاش می‌شود، براساس مفهوم چرخش و تبدیل سرمایه‌ها، کنش‌های خیریه و موقوفه بطور عام، تحلیل نظری شوند.

هدف دوم این مقاله، بررسی وضعیت موجود امور خیریه و موقوفه در حوزه علم و فناوری امروز ایران است. این هدف با پی‌گیری کندوکاو در مسائل زیر محقق می‌شود: الف- دلایل و علل طرح موضوع امور خیریه و موقوفه در حوزه نهاد علم و فناوری چیست؟ چه لایه‌های حاکمیتی و مدیریتی و یا چه گروه‌های اجتماعی به این موضوع توجه پیدا نموده اند و دلایل و علل ورود آنها به این محور چیست؟ ب- نظام ارزشی کنش‌های خیریه و وقفي در نهاد علم و فناوری ایران امروز بر چه عناصری متکی است و کنشگران این عرصه چه جهت گیری ارزشی بالفعل یا بالقوه‌ای در مورد وقف و امور خیریه علم و فناوری دارند؟ جمع بندی و تحلیل نسبی شواهد میدانی موجود نشان گر چالش‌هایی نوین پیش روی سازمان مدیریت کننده نهاد علم و فناوری ایران امروز است. مهمترین این چالش‌ها عبارت است از تصدی گری حداکثری

۱- استادیار جامعه شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

نظام حاکمیتی در عرصه‌های تامین منابع، کنترل و مدیریت نهاد علم و فناوری موجود، به اضافه کمیت و کیفیت خروجی این نهاد و تناسب آن با نیازهای جامعه ایران. به نظر می‌رسد در سرآغاز دوره جدید ترویج و توسعه حوزه وقف و امور خیریه نهاد علم و فناوری کشور، و برای کسب اعتماد و جذب مشارکت حداکثری کشگران این عرصه، باید این نکات را مدنظر قرار داد و الگوی نوینی در این زمینه معرفی نمود.

گامنهایی این پژوهش، طراحی یک مدل و پیشنهاد یک مکانیزم جدید جهت تاسیس و فعالیت یک نظام بینابینی وقف و خیریه علم و فناوری است. این مدل بر اساس فاصله گرفتن از فضای بروکراتیک و صوری حاکمیت دولتی نهاد علم و فناوری و همچنین در پرهیز از گرفتار شدن در چنبره گردونه خردکننده بخش خصوصی و مطالبات سود محور بازار است. در حال حاضر جریان رشد علمی و خلق فناوری عمدتاً تحت الشاع نظم از بالا به پایین مدیریت دولتی دانشگاه هاست. از طرفی در عرصه‌هایی محدودی که بخش خصوصی و بازار جهت گیری اصلی تولیدات علم و فناوری را تعیین می‌کنند، کنشگران و فعالان این عرصه، تابع سلیقه بازار و تحت قیومیت مدیریت سود محور آن واقع می‌شود. بر اساس این مدل ایجاد یک سازوکار مجزا از دوگانه دولت - بازار، می‌تواند آسیب‌های موجود را مرتفع کند. این بینادها یا موسسات غیر دولتی - غیر انتفاعی خیریه یا موقوفه، مجموعه از کنشگران عرصه علم و فناوری را در نوار مرزی بین تامین و تقاضا بکار می‌گیرند. اگر آستانه مرزی امنیت تامین و فشار تقاضا، در مورد کنشگران عرصه علم و فناوری مشخص شود، خلاقیت که عنصر اصلی تولیدات علمی و فناوری هستند، شکوفا خواهد شد. به نظر می‌رسد حداقل بخشی از سازمان بندی مرتبط با نهاد علم و فناوری کشور در آینده بتواند با تکیه بر این مدل، زمینه رشد و توسعه علم و فن آوری جهانی و بومی را رقم زند.

وقف وقت به عنوان شیوه نوین توسعه علم در کشور: راهکارها و ابزارها

ناهید کیانی^۱

نهاد وقف یکی از راههای تحقق بخشیدن به اهداف خیرخواهانه است. نهادی که گسترش آن از یک سو سبب تعديل و توزیع ثروت و از سوی دیگر موجب رفع نیازهای فرهنگی و اجتماعی روز جامعه می‌شود در طول تاریخ اسلام اغلب اینگونه بوده است که مردم نیکوکار بخشی از اموال و مستغلات خود ماند زمین، خانه، باغ و غیره را از مالکیت خود خارج و منافق آن را برای اهداف خیرخواهانه متناسب با نیازهای جامعه اختصاص می‌دادند. تأسیس بیمارستانها، مدارس علمی، مراکز فرهنگی و مساجد بر اساس وقف بیانگر این ادعاست با گذشت زمان و پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیازهای جامعه نیز متغیر و متحول شده است، به گونه‌ای که رفع آنها با روش‌های سنتی گذشته دشوار یا غیرممکن بوده و در شأن و متناسب با جامعه امروزی نیست و نه تنها گاهی کارایی لازم را ندارد، بلکه حس خیرخواهی واقف را نیز به طور کامل ارضانمی کند علیرغم اینکه نهادهای مشابه وقف در اسلام در کشورهای پیشرفته جهان همچون سایر نهادهای اجتماعی متناسب با تغییرات متحول شده و با کارایی قابل توجهی شکل گرفته تا موجب جهش‌های پیشرفته اجتماعی، فرهنگی و علمی بیشتر و مؤثرتر باشد، اما در کشورهای اسلامی نهاد وقف در عین اهمیت آن در فقه اسلامی و دارا بودن ظرفیت‌های به کارگیری در بخش‌های مختلف تولیدی، خدماتی، بازرگانی، صنعتی و متناسب با نیازهای روز به پیشرفت و کارایی لازم نرسیده است.

آنچه در این پژوهش بدان پرداخته ایم، ارائه چارچوب و راهکاری مناسب برای بهره‌گیری از توانمندیها و ظرفیت‌های بخشی از نیروهای جوان جامعه در رفع نیازهای علمی و مهارتی گروههایی است که نیازمند یا مقاضی خدمات تخصصی و علمی آنان است. در چارچوب نظری این پژوهش می‌خوانیم که کار داوطلبانه در اسلام، در حوزه ارزشهایی همچون همیاری، تکامل اجتماعی، تقوی و عمل صالح دسته بندی شده است. در واقع حضور همزمان دو بعد مادی و معنوی در اسلام، آن را از حوزه تمدن معاصر متمایز می‌سازد. با این وجود، نگاهی به رابطه وقف و جوانان نشان می‌دهد این رابطه غالباً یک سویه بوده است. بدین معنا که بیشتر موقوفه‌ها برای مصارفی وضع شده اند که جوانان جزو نخستین استفاده کننده‌ها از آن بوده اند. حال از جمله پرسش‌های این پژوهش این است که چرا در برابر بهره‌گیری جوانان از وقف، از آن

۱- دکترای مطالعات منطقه‌ای- پژوهشگر اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف:
Nkiani2010@gmail.com

طرف، نهادهای وقFi کمک و بهره بسیار ناچیزی از جوانان می‌برند؟ شاید دلیل این بی توجهی و غفلت آن باشد که طبقه جوان به آن مقدار امکانات مالی نداشته است که نهاد وقف از آن بهره مند شود، یا شاید منزلت اجتماعی و تجربه این قشر در آن سطحی نبوده که بتوان از ظرفیت این گروه سود برد. با توجه به امکانات کمی و کیفی وسیع جوانان و آمادگی ذهنی، فیزیکی و روانی آنان برای خدمت به جامعه، بحث اصلی این مقاله، نوعی وقف منافع را مطرح می‌کند، و آن، وقف زمان یا وقت است. آنچه امروز به عنوان نوعی کار و خدمت داوطلبانه نگریسته می‌شود، ناظر به مهارت‌ها و تخصصهایی است که آنان در دوره تحصیل یا خارج از آن کسب کرده‌اند. با اینحال، فراتحلیل منابع موجود(منابع داخلی و خارجی) نشان می‌دهد که در قالب موارد، این اقدامها فردی، غیرسازمان یافته و بدون هماهنگی بوده‌اند. از آن سو، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که روش و مدیریت علمی، دوام غیرشخصی، شفاف و با نگاهی به توسعه کلی جامعه، در غالب نهادهای نوین و مدیریت علمی می‌تواند به نتایج چشمگیری منتهی شود.

زمینه‌های وقف زمان در این پژوهش مواردی مانند: مشاوره و خدمات روان‌شناختی، آموزش مهارت‌های زندگی، تدریس دوره‌های آموزشی، تدریس نرم افزارهای تخصصی، تدریس مهارت‌های اشتغال و کارآفرینی، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی، جلب مشارکت‌های مردمی برای دانش افزایی، نظارت بر پذیرندگان و ارائه کنندگان خدمات ارزان‌تر به گروههای مانند دانشجویان، شناسایی و مذاکره با ارائه کنندگان خدمات ارزان‌تر به این گروهها، بسیج منابع و جلب سرمایه برای دوره‌های مهارت افزایی، فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی در زمینه‌های مورد نیاز، ایجاد محتوای آموزشی و فرهنگی، و... را شامل می‌شوند. گام نخست در این زمینه، آکاهی و تبلیغ برای جذب نیروهایست. دانشگاهها و مدارس می‌توانند نیازهای خود را بر اساس طرح خدماتی و فعالیتها و تخصصهای مورد نیاز اعلام کنند. پس از آشنایی و شناخت افراد داوطلب، بانک اطلاعات آنها و تخصصهای این افراد ثبت و برنامه‌ریزی شود. از جمله پیشنهادهای مطرح شده در این مقاله استفاده از ظرفیت ابزارهای جدید مجازی و دیجیتالی است. در واقع مفهوم وقف علمی را در دنیای اینترنت نیز می‌توان تعریف کرد. بر این اساس، پایگاههای اینترنتی که بدون دریافت هزینه و به طور کاملاً رایگان امکان بهره مندی عموم از آموزش‌های مختلف ارائه شده توسط وقت-واقف را فراهم می‌سازند، از نمونه‌های نوینی است که دنیای امروز و مقتضیات حاکم بر آن، امکان اجرایی شدن آن را مهیا می‌سازد و نوعی مدیریت جدید و علمی در صورت بخشی به تلاشهای فردی و بدون برنامه ریزی جوانان علاقمند به امور خیر محسوب می‌شود. صدور گواهینامه مشارکت وقفی به عنوان یکی از مهمترین نشانه‌های خدمات اجتماعی توسط سازمان مربوطه یا ارائه جایزه علمی به نام سرآمدان علم و فناوری، می‌تواند ابزارهای تشویقی مناسبی برای جذب و حمایت از جوانان واقف باشد.

وازگان کلیدی: مدیریت نوین، وقف علمی، جوانان، وقف زمان، اینترنت، پایگاههای آنلاین، ابزارهای تشویقی.

توسعه علم و فناوری در سایه بنیادهای وقفی: تجربه آمریکا

ناهید کیانی^۱

کشورهای توسعه یافته رمز پیشرفت جامعه و استمرار و پایداری آن را در مشارکت همه بخش‌های جامعه اعم از بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش سوم اقتصاد(سازمانهای داوطلبانه و غیرانتفاعی) می‌دانند. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد بنیادهای و نهادهای خیرخواهانه علمی(به عنوان یکی از نهادهای بخش سوم اقتصاد) روند توسعه کشورها را سرعت می‌بخشد. در این میان، سنت نیکوکاری در آمریکا و اروپا به دلیل فعالیت هزاران بنیاد وقفی و خیریه، خود به علم تبدیل شده و به نام علم "امور بنیادها و سازمان" مشهور است. قلمرو فعالیتهای این سازمان‌ها و بنیادها گاه چنان گسترش می‌یابد که در ابعاد جهانی تاثیرگذار می‌شوند. علم بنیادها امروزه از رشته‌های مهم در تحصیلات دانشگاهی است و موسسه‌های جهانی مانند بانک جهانی و مراکز دانشگاهی، اقدام به پژوهش پیامون جنبه‌های مختلف فعالیت، مولفه‌های اثربخشی، دلایل و انگیزه‌های واقفان و خیرین در پیشبرد توسعه علمی و... کرده‌اند. در مقاله حاضر، آگاهی از جایگاه و وضعیت موسسه‌ها و بنیادهای وقفی در پیشبرد علم کشور آمریکا، شناخت دلایل و انگیزه‌های خیرین در توجه به حوزه علم و نیز سیاستها و راهبردهای دولت در تشکیل اینگونه بنیادها مورد نظر بوده که با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر اسناد و منابع دسته اول انجام شده است، این اسناد عبارتند از گزارش‌های خیریه‌های علمی، پایگاههای اینترنتی خیریه‌های علمی و کتابها و مقاله‌های منتشر شده در خصوص نهادهای پشتیبان علم و فناوری در کشور آمریکا.

اگر نهاد علم را مشتمل بر مجموعه افراد، سازمانها و تشکلها، امکانات و منابع، هنجارها و روابط حاکم بدانیم، در می‌یابیم که یکی از عناصر اصلی در این نهاد، وجود تعامل و روابط میان اعضای این اجتماع است. اسناد و پژوهش‌ها نشان داده اند که ایالات متحده آمریکا از نظر تشویق مؤسسات به توسعه و گسترش علم، پژوهش و فناوری، جایگاهی منحصر به فرد را به خود اختصاص داده است. بخش خصوصی به عنوان نخستین عنصر پشتیبان بنیادهای علمی نقش کلیدی در تامین اعتبار آنها ایفا می‌کند و نقش دولت در تامین اعتبار آنها بسیار ناچیز است. بر اساس آمار شورای کمک به آموزش در سال ۲۰۱۶، ۴۱ میلیارد

۱- دکترای مطالعات منطقه‌ای- پژوهشگر اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف Nkiani2010@gmail.com

دلار کمک داوطلبانه از سوی بخش خصوصی به موسسات آموزش عالی آمریکا پرداخت شده که بیش از ۲,۳ میلیارد دلار آن به تحقیقات در علوم پایه اختصاص داده شده است. بنیادهای مهمی مانند راکفلر، کارنگی و فورد سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در این زمینه انجام می‌دهند که وضعیت و میزان تاثیرگذاری آنها بر عرصه علم و فناوری در این پژوهش شرح داده شده است.

در بخشی دیگر از مقاله، به عوامل انگیزشی فراوانی بنیادهای کلان وقفی در پیشبرد علم، پرداخته ایم. مردم و ثروتمندان اغلب تمایل دارند به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کمک کنند، در اینجا، در سه سطح فردی، ملی و نهادی مواردی مانند امکان پیگیری، برقراری ارتباط، اعتبار دانشگاهها، فرصت پیوستن به جامعه دانشگاه و یا اهداف جاه طلبانه و... از دلایل این گرایش محسوب شده‌اند.

اما مساله مهم‌تر، به تسهیلگری دولت و قوانین بازمی‌گردد. در این کشور گسترش و توع فعالیت اقتصادی در یک گستره جغرافیایی بزرگ سبب شد دولتی ایجاد شود که خواهان سرمایه‌گذاری افراد در امور خیریه باشد تا پاره‌ای پیامدهای اجتماعی و اقتصادی و زیست محیطی ناشی از گسترش بزرگ صنعتی و استفاده گسترده از منابع جامعه جراث شود؛ در واقع میان فعالیت روزافزون بنیادهای وقفی علم و حمایت‌های دولتی تعاملی مثبت و قوی وجود دارد. در دهه‌های اخیر رویکرد تشویق بخش سرمایه‌داری به انجام مسؤولیت‌های اجتماعی و مشارکت در حل مشکلات مختلف جامعه حاکم شده است. این رویکرد نیرومند و انگیزه مهمنجی به تغییر در ارزش‌های اجتماعی شد. دولت‌ها در این کشور با ارائه تشویق‌های مادی در فعالیت و رشد بنیادهای وقفی تأثیر می‌گذارند. در این خصوص مهم‌ترین تشویق تخفیف‌های مالیاتی است؛ دولت بخشدگی‌های مالیاتی مشخصی را برای انجمن‌ها، صندوق‌ها و مؤسسات عمل کننده در آموزشی، علمی، سوادآموزی و... در سطح ملی یا بین‌المللی در نظر گرفته است پژوهش‌ها می‌گویند که این نظام مالیاتی در تشویق افراد و شرکت‌ها به ایجاد بنیادهای وقفی نقش بسزا داشته است. چارچوب قانونی نیز ضامن استقلال بنیادهای علمی وقفی است؛ چرا که آنها بخشی از جامعه محسوب می‌شوند که دارای فعالیت مستقلند و باید به دور از دخالت بخش دولتی باشند. همچنین این چارچوب قانونی، حرکت و فعالیت این بنیادها را تسهیل می‌بخشد تا بتوانند در راستای تحقق منافع کلان جامعه و به دور از تغییرات سیاسی و اداری که در جامعه رخ می‌دهد به کار خود ادامه دهند.

واژگان کلیدی: بنیادهای وقفی، توسعه علمی، بنیاد راکفلر، بنیاد فورد، بنیاد کارنگی، دولت، قوانین، انگیزه‌ها

تبیین نقش وقف در تحقیق سیاستهای کلان و اقتصاد مقاومتی

سیدعلی مرتضوی امامی زواره^۱

تحقیق سیاستهای کلان اقتصادی و ثبات و مقدر-ساختن اقتصاد و رشد کشور یکی از موارد با اهمیت مطرح در چند سال اخیر است. هدف از پژوهش حاضر تبیین نقش وقف در تحقیق سیاستهای کلان و اقتصاد مقاومتی میباشد. با توجه به تحريمهای اعمال شده بر دولت جمهوری اسلامی و بکار بردن طرح تحول اقتصادی با عنوان اقتصاد مقاومتی و اتخاذ راهکارهایی برای کمک به رسیدن ثبات اقتصادی، نهاد وقف میتواند با اصلاح و گسترش روحیه نیکوکاری و انسان دوستانه انگیزه عدالت محورانه خود در جامعه را، اعمال کند هچنین وقف سرمایه گذاری در مسیر صحیح منابع را تقویت میکند. دولت برای اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی مستلزم بکارگیری نهادها، منابع و تسهیل کنندهای تطبیقی است تا بتواند در برابر شوکهای اقتصادی مقاومت کند و در برابر ضربات اقتصادی و اقدامات تحریبی روند رو به رشد خود را حفظ کند، لذا برای تحقق این مسأله به نظر میرسد افزایش همکاری و هماهنگی و برنامه‌ریزی با نهادی چون سازمان وقف، مدیریت و بهره‌گیری صحیح از اموال موقوفه را باید بیش از پیش مد نظر قرار دهد و با انجام سیاستهای عادلانه رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری، و حذف فقر مطلق را به ارمغان آورد.

از دیدگاه اقتصاد، وقف میتواند در کارایی و رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و برقراری عدالت اجتماعی، و حذف فقر، کمک به اجرای اقتصاد مقاومتی داشته باشد. اقتصاد مقاومتی ارائه یک دستور برای نظام اقتصادی بود که از سوی مقام معظم رهبری در برابر ضربات اقتصادی و تحريمها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار غرب مطرح نمودند و منظور از اقتصاد مقاومتی داشتن یک اقتصاد فعال و پویا و غیرمنزوی و توجه به تولیدات داخلی، استفاده از نیروی کار و سرمایه داخلی، اتکا بر اقتصاد دنایی محور، توجه خاص به تولید کالاهای اساسی عنوان شده است. از جمله نهادهای موازی که میتواند دولت را در اجرای این پروژه یاری رساند نهاد وقف میباشد. راهکاری که در بیانات رهبر در جهت رشد اقتصادی آمده است؛ فعال شدن بخش خصوصی و بخش مردمی و استفاده از سرمایه‌های داخلی و کاهش وابستگی به

۱- کارشناس سازمان اوقاف و امور خیریه کشور

نفت می‌باشد. وقف یکی از تاکیدات دینی و یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در رشد و رفع نیازهای معنوی و مادی انسانها نقش بسزایی دارد. وقف و امور خیریه میتواند جامعه را در ابعاد مختلف اصلاح کند. امروزه با کاهش تصدیگری دولت و افزایش مشارکت مردم در اقتصاد(خصوصی سازی) توزیع ثروت درین قشری محدود گسترش میابد و نهاد وقف میتواند با اصلاح و گسترش روحیه نیکوکاری و انسان دوستانه انگیزه عدالت محورانه خود در جامعه را اعمال کند. در واقع دولت برای اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی مستلزم بکارگیری نهادها، منابع و تسهیل کنندگهای تطبیقی است تا بتواند در برابر شوکهای اقتصادی مقاومت کنند، لذا برای تحقق این مسأله به نظر میرسد افزایش همکاری و هماهنگی و برنامهریزی با نهادی چون سازمان وقف، مدیریت و بهره‌گیری صحیح از اموال موقوفه را باید بیش از پیش مدد نظر قرار دهد و با انجام سیاستهای عادلانه رشد اقتصادی مداوم، کاهش مداوم نابرابری، و حذف فقر مطلق را به ارمغان آورد.

واژگان کلیدی: وقف، اقتصاد مقاومتی، سیاست کلان، رشد اقتصادی

شکل‌های اجتماعی فرهنگی استراتژیک وقف علمی

سید محمود نجاتی حسینی^۱

برون داده‌های نهاد تاریخی دینی وقف در تمدن ایرانی اسلامی از حیث پوشش دادن امور عالم المنفعه در زیست سنتی- آن چه که درست زیست مدرن به عنوان امور حوزه عمومی و جامعه مدنی می‌نامیم- پرپیشینه و پرباریوده است.

در این نسبت اما هر چند درسپهر علم ورزی در سنت ایرانی اسلامی نیز تا اندازه‌ای آثار علمی وقف باز بوده است - مانند مدارس علمیه اوافقی متعارف و نیز موقوفه علمی بزرگی مانند نظامیه‌ها در دوران خواجه نظام الملک طوسی در سده ۱۰ میلادی - اما آن گونه که شایسته نهاد علم ورزی بوده و هست ، نهاد وقف علمی توانسته است به طرزی پویا و پایا شکل بگیرد.

این که چرا و چگونه وقف علمی توانسته هم پای وقف عمومی در تمدن ایرانی اسلامی توسعه پیدا کند خود محتاج تفحص‌های تاریخی موسوعی به سبک و سیاق "تاریخ اجتماعی وقف علمی" با استناد به جامعه شناسی‌های تاریخی علم و دین است که فقط مختص‌تر از آن سه دیدگاه در این بحث خواهد آمد؛ آن هم من باب ضرورت برای تحلیل داده‌های تاریخی اجتماعی وقف در علم ورزی از منظر جامعه شناسی‌های علم و دین و به ویژه از منظر جامعه شناسی تاریخی وقف علمی.

اما آن چه مقصد و مقصود ما در این بحث است بیش تر عمدتاً نگاهی راهبردی است به بهینه نمودن فرم و محتوای اجتماعی فرهنگی وقف علمی در زیست جهان کنونی در ایران معاصر. زین سبب ما برآئیم که نشان دهیم چرا و چگونه نهادهای آموزش‌های عمومی و عالی (مدرسه و دانشگاه) باید به سیاست گذاری توسعه وقف علمی روی آورند.

در این بحث قاعده‌تا توضیح خواهیم داد که چگونه می‌توان هم از "نهادهای فرهنگی سنتی" مانند نذر و صدقات ؟ و هم از "فریضه‌های دینی سنتی" مانند خمس، زکات، فطريه برای توسعه وقف علمی سود جست . به هم چنین تشریح خواهیم نمود که چگونه می‌شود از "کنش‌های هم یاری مدنی غیر انتفاعی مدرن" مانند هدیه ، هبه ، جایزه برای تکمیل توسعه وقف علمی بهره گرفت.

۱- استادیار جامعه شناسی- پژوهشگر میهمان در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)

به هم چنین به سمت توسعه این بحث نیز خواهیم رفت که چگونه باید محتوای فرهنگی وقف علمی مدرن را در ایران به سمت و سوی شکل‌های اجتماعی توسعه علم ورزی حاصل خیز جدیدی سوق داد که از اولویت استراتژیکی برخوردارند ؟ مانند: ((وقف برنامه‌های پژوهشی ، وقف بورسیه ، وقف کرسی علمی ، وقف آثار علمی ، وقف رشته‌های آموزشی ، وقف کورس‌های علمی ، وقف تالیف متون تخصصی و....)).

واژگان کلیدی: وقف علمی / وقف عمومی / سیاست گذاری توسعه وقف علمی / آثار علمی وقف / نهاده‌های فرهنگی سنتی وقف مبنا / فریضه‌های دینی سنتی وقف مبنا / کنش‌های هم‌یاری مدنی غیرانتفاعی مدرن وقف مبنا / جامعه‌شناسی تاریخی وقف علمی .

نقش دانش فقه در احیاء و ارتقای بهره وری موقوفات

سیدمهدی نریمانی زمان آبادی^۱

تقی ابراهیمی سالاری^۲

بی گمان علم و فناوری، می‌تواند نقش به سزاوی در احیاء و ارتقای بهره وری موقوفات داشته باشد؛ چنانکه دانشیان رشته‌های کشاورزی، علوم پایه و مهندسی با تصحیح روش‌های کشت و کار، می‌توانند بهره وری را به صورت چشمگیری افزایش دهند؛ دانش فقه نیز پتانسیل برداشتن «مححدودیت‌های فقهی» و به تبع آن «مححدودیت‌های قانونی» را دارند؛ مححدودیتها بی که به اذعان پژوهشگران، یکی از مهم ترین دلایل اصلی رکود و توسعه نیافتن وقف در ایران به شمار می‌آید. در این نوشتار به دو مورد از کارکردهای دانش فقه در احیاء و ارتقای بهره وری موقوفات اشاره می‌شود. ابتدا بحث «وقف پول» به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد یا احیای اموال وقفی سابق بیان می‌شود؛ سپس بحث «تبديل و فروش مال وقفی» به عنوان یکی از راهکارهای احیاء و ارتقای بهره وری موقوفاتی که امروزه کارایی سابق را ندارند، مطرح می‌گردد که بنا به گفته سید مرتضی، اجازه فروش یا تبدیل مال وقفی از اختصاصات فقه امامیه بوده است. در صورتی که از لحاظ فقهی، این دو مسئله مورد پذیرش مراجع عظام تقلید قرار گیرد و بر اساس آن مجوز تبدیل و فروش برخی از اموال وقفی که شرایط تبدیل و فروش را دارند، صادر گردد، می‌توان بسیاری از موقوفاتی که امروزه ارزش گذشته خود را از دست داده اند یا اموال وقفی ای که هزینه‌های جاریش بسیار بالاست، را فروخت و با وقف کردن پول حاصل از فروش آنها، زمینه به کارگیری پولهای وقفی در عرصه «علم و فناوری» را فراهم کرد. البته لازم است اندیشه‌ای برای تنزل ارزش مالی پولها کرد و آنها را به ارزهای بین المللی تبدیل کرد و آن ارزها را وقف کرد. برای نمونه مطابق نظر برخی مانند شیخ مفید، یکی از موارد جواز مال وقفی جایی است که «فروش وقف برای موقوف علیهم نافع تر باشد» با توجه به این فتووا، اموال وقفی ای که برای پیشرفت در زمینه‌های علمی و پژوهشی وقف شده اند اما درآمدشان بسیار کم است یا هزینه‌های نگهداری از آنها به مقداری زیاد است که عواید کمتری به موقوف علیهم (که پیشرفت علم و

۱- دکتری فقه و حقوق اسلامی

۲- هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

فناوری است) می‌رسد، را می‌توان فروخت و درآمد حاصل از فروش آن (که اسکناس است) را پس از تبدیل به ارز بین‌المللی، در همان زمینه‌ای که مد نظر واقف بوده است، وقف کرد و نیازی به تهیه کالا و وقف کالای جدید نباشد. با این کار، اموال وقفی ای که از کارآمدی و درامدزایی خارج شده اند یا احتمال زیاد دارد که خارج شوند، با تبدیل به اسکناس و ارز شدن، از رکود و بی‌حاصلی خارج می‌شود و چرخ‌های علم و فناوری را با شتاب بیشتر، به گردش در می‌آورد. در ضمن تبدیل شدن اموال وقفی به پول و ارز، باعث می‌شود این اموال و داراییها ساده‌تر و راحت‌تر در خدمت علم و فناوری قرار گیرد؛ در واقع به جای آنکه هزینه، وقت و انرژی زیادی برای تولید و ارایه خدمات از طریق مال وقفی و کسب درآمد از آن صورت گیرد و پس از کسر هزینه‌های جاری مربوط به نگهداری و تعمیر مال وقفی، بخشی از درآمد حاصل شده را به علم و فناوری، اختصاص داد، با تبدیل کردن آن به ارزهای بین‌المللی، می‌توان در ایجاد سرمایه و منابع برای تحقیق اهداف از پیش تعیین شده در عرصه علم و فناوری، راحت‌تر از گذشته سرمایه گذاری کرد و از هزینه‌های جاری، کاست و از این رهگذر مشکل تامین مالی مربوط به پروژه‌های علم و فناوری را جبران کرد و شتاب بیشتری به پیشرفت آنها دارد. لازم به یاد است، این تحقیق به روش تحلیلی توصیفی است که برای تدوین آن، از منابع کتابخانه‌ای و دیجیتال بهره برده ایم.
وازگان کلیدی: علم و فناوری – فقه امامیه – وقف – بهره‌وری – وقف پول – فروش موقوفات.

تأمل در تاریخ معاصر اوقاف در طراحی الگوی توسعه و ترویج فرهنگی در عرصه علم و فناوری بررسی رابطه نهاد وقف و تاسیس حکومت مطلقه پهلوی اول

میکائیل وحیدی راد^۱

با روی کار آمدن دولت پهلوی اول در ایران گفتمان تشکیل دولت متمرکز مدرن وارد مرحله عملیاتی خود شد و این دولت بنا بر سرشت تعریف شده خود از یک سو و با توجه به اقتضایات تاریخی از سوی دیگر در صدد برآمد تا ضمن حذف قدرتهای معارض و حاشیه ای پروژه متمرکز ساختن قدرت در ایران به انجام رساند. از آنجایی که هر کنشی از سوی دولتمردان در سطح جامعه دارای بار معنایی فرهنگی است و یا به نسبتی دو سویه، اثربازی یا اثرگذاری، بر فرهنگ دارد، خیزش رضاشاه در جهت تاسیس حکومت مطلقه با مخالفت متولیان فرهنگی غیردولتی قرار گرفت که روحانیون در راس این بخش قرار می‌گرفتند. به این ترتیب با مخالفت روحانیون با گفتمان تاسیس حکومت مطلقه رضاشاهی در ایران، حاکمیت نیز با در پیش گرفتن بستر سازی گفتمانی در صدد برآمد تا زمینه پذیرش ایجاد چنین نظامی را مشروع و بلکه ضروری جلوه دهد. به این ترتیب رضاشاه که در سالهای اولیه حکومت خود جانب روحانیت را نگه می‌داشت و نظر آنان را جویا می‌شد پس از تثییت قدرت خود و اقدام در جهت تاسیس قدرت مطلقه به تقابل با روحانیت به عنوان یکی از کانونهای اصلی مقاومت پرداخت؛ در همین راستا دولت پهلوی اول برای به حاشیه راندن نهاد روحانیت سعی کرد تا چتر نظارتی دولت را بر این نهاد نیز بگستراند و با تاسیس نهادهای مدرن کارکردهای روحانیت را به سود این نهادهای تازه تاسیس مصادره کند. به این ترتیب با تشکیل وزارت دادگستری، سازمان ثبت احوال، تاسیس دانشگاه تهران، آموزش و پرورش و.... حاکمیت تلاش می‌کند تا کارکردها و کارویزه روحانیت در جامعه را بلااثر کرده و آنان را تحت نظارت حکومت مرکزی درآود تا به این ترتیب شکننده حکومت مطلقه محقق شود.

از آنجایی که در طول تاریخ نهاد وقف به عنوان یک منبع درآمد غیر حکومتی پشتیبان مالی مناسبی در اختیار روحانیت قرار می‌داد تا به دور از حمایت هسته مرکزی قدرت به اقدامات خود در سطح جامعه

۱- عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

پردازد و از زمانهای دور این عایدات هزینه‌های تعییر و نگهداری عتبات مقدسه و حوزه‌های علمیه و هزینه‌های مراسمات و اماکن مقدسه و منبع تامین مالی خود روحانیان را تامین می‌نمود، در دوره رضاشاه با در پیش گرفتن سیاست تاسیس حکومت مطلقه شبه مدرن چنین منبع مالی مستقلی می‌توانست اندیشه تاسیس این چنین حکومتی را با مشکل مواجهه نماید لذا دولت پهلوی اول برای از بین بردن چنین احتمالی در صدد برآمد تا این منبع مالی را از بین ببرد تا به این ترتیب روحانیت وابسته به نهاد دولت را تقویت نماید در همین راستا با شعار متمرکز نمودن همه نهادهای اجتماعی ذیل چتر حکومت مرکزی و ضرورت نظارت بر انها دولت اوقاف را تحت نظارت خود در آورد. اولین گام در جهت دولتی کردن امور اوقاف را رضاشاه در سال دوم سلطنت خود برداشت و در سفر به مشهد دستور تدوین آیین نامه ای برای اداره موقوفات آستان قدس رضوی صادر کرد تا با تائید دولت این نهاد به صورت اداری از جانب حکومت اداره شود. همچنین گام بلندتری در سال ۱۳۱۳ برداشته شد که مجلس شورای ملی قانون ده ماده ای برای اداره امور موقوفات برداشت و ضمن دسته بندی انواع موقوفات، آن دسته از موقوفاتی را که بنابر این قانون «مجهول الهویه» یا بدون متولی نامیده می‌شد را مستقیماً تحت نظارت و اداره وزارت معارف و اوقاف در آورد. از سوی دیگر به دلیل اینکه برخی از این اوقاف برای اموری چون روضه خوانی وقف شده بودند و چون در این دوره برگزاری چنین مراسماتی با ممنوعیت دولتی مواجهه بود عملاً این دست از موقوفات نیز تحت نظارت دولت درآمد تا منبع درآمد روحانیان از قبل این موقوفات نیز هر روز تحديد شود. به این ترتیب رضاشاه تلاش کرد تا با هدف قرار دادن منبع مهم درآمدهای روحانیت آنان را وابسته به دولت کرده و در صورت امتناع از چنین رویه‌ای، با تضییف آنان بخشی از نیروهای بالقوه مخالف با تاسیس سلطنت مطلقه در ایران را به حاشیه براند. چنین سابقه‌ای در تاریخ معاصر اوقاف، باعث شده است که جامعه مخاطب نسبت به مناسبات حاکمیتی با سازمان اوقاف دچار نوعی واگرایی باشد که با بررسی تاریخی این موضوع به عنوان یک متغیر موثر فرهنگی و اجتماعی، برنامه‌ریزی‌های توسعه و ترویج وقف در عرصه علم و فناوری را در حل این مساله جهت گیری کرد.

وقف در فضای مجازی (بررسی موردنی یک سایت قرآنی)

مرضیه یزدی^۱

دنیای جدید و ابزارهای آن اقتصادیات و فرصت‌های تازه‌ای را پیش روی برنامه‌ریزان و کنشگران عرصه‌های مختلف قرار داده است. با توجه به اینکه امروزه دنیای مجازی به عرصه‌ای غیرقابل انکار در همه زمینه‌ها تبدیل شده است سرمایه‌گذاری و فعالیت در آن می‌تواند نقش تأثیرگذاری در پیشبرد اهداف و برنامه‌های گوناگون از جمله در حوزه علم و فناوری داشته باشد. در عین حال ورود به این فضای جدید و تأثیرگذار نیازمند برخی تغییرات در نگرش‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نیز دارد که هدایت وقف و خیریه به سمت این فضای جدید نیز می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد. ایجاد و اداره سایت وقفی پرتو قرآن (www.marziiehyazdi.ir) بر بستر چنین نگرشی صورت گرفته است. این سایت علمی و پژوهشی پنج زبانه و رسمی که با سرمایه شخصی تأسیس شده است از سوی بنیانگذار آن وقف گسترش معارف قرآنی گردیده است تا مجموعه متنوعی از آگاهی‌ها را در اختیار مخاطبان در کشورهای مختلف قرار دهد. گسترش این تجربه وقفی به عرصه‌های دیگر از جمله علم و فناوری می‌تواند افق تازه‌ای را برای استفاده از سرمایه‌های وقفی مطابق با نیازها و ابزارهای عصر مجازی بگشاید.

۱- مدرس دانشگاه فرهنگیان همدان و مؤسس سایت وقفی پرتو قرآن

First National Convention of Vaqf, Science and Technology

Models of Development and Propagation

Abstracts

28 February 2018
Ferdowsi University of Mashhad



مرکز تحقیقات و فن
دانشکده الهیات و ادیان



اداره کل اوقاف و امور خیریه
فرسانندی



دفتر بحث‌گردی پژوهی علمی دامنه ایران
شیدمانیه شمال شرق

First National Convention of Vaqf, Science and Technology

Models of Development and Propagation

Abstracts

28 February 2018

Ferdowsi University of Mashhad